صبح صادق

حضرت آیت الله العظمی صافی

بسم الله الرحمن الرحیم

صبح صادق: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم‌الانبیا صلی‌الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه‌السلام و اهداف رسالت اسلام

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صبح صادق: درس‌هایی از عظمت حضـرت خاتم‌الانبیا صلی‌الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه‌السلام و اهداف رسالت اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ –
عنوان و نام پدیدآور : صبح صادق: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم‌الانبیا صلی‌الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه‌السلام و اهداف رسالت اسلام/ صافی گلپایگانی؛ به کوشش مهدی کریمیان، احمد کریمی.
مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ ق.= ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۷۹ ص.
فروست : کلام و عقاید.
شابک : ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۰۵-۶
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس.
موضوع : محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت – ۱۱ق.
موضوع : جعفربن محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ – ۱۴۸ق.
موضوع : اسلام -- مقاله ها و خطابه ها
رده بندی کنگره : BP۲۲/۹/ص۲۲ص ۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۲۴۷۴۸

سخن ناشر

"صبح صادق "مجموعه‌ای ارزشمند از سه مقاله‌ی پربار و خواندنی است که به شکلی اجمالی و جذاب به بازخوانی و مرور درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و نیز حضرت امام صادق علیه السلام می‌پردازد. کتاب در پایان، با بیان اهداف والای رسالت اسلام، دعوت آن حضرت را فراخوانی جاوید و همگانی برای تمامی اعصار می‌داند و عمل به دستورات اسلام و قرآن را ضامن سعادت واقعی می‌داند.
از آنجا که مولف محترم، در زمان نگارش اثر در لندن به سر می‌برده‌اند هر سه فصل کتاب را به برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلیس هدیه نموده‌اند. با توجه به اینکه مخاطب اصلی «صبح صادق»، قشرهای جوان و دانشجویان عزیز می‌باشند و از سویی کتاب با تاکید فراوان بر حفظ و بهینه سازی هویت دینی و بازگشت به سنّت‌های انسان‌ساز اسلام عزیز و بر اساس روش زندگی عالی‌ترین الگوهای انسان، نگاشته شده است دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی اقدام به بازنشر آن نمود.
این کتاب برای اولین بار در ۱۳۵۵ هجری شمسی از سوی مجمع جهانی اسلامی لندن و تحت عنوان «ندای اسلام از اروپا» انتشار یافت.
اکنون ویرایش جدید این اثر ارزشمند، تقدیم علاقه‌مندان می‌نماید.
صبح صادق، ص: ۷

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلستان

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

خداوند متعال به همه‌ی شما تندرستی و خیر و سعادت و رستگاری عطا فرماید و به تبلیغ رسالت اسلام که بهترین خدمت به بشریت است وعمل به تعالیم عالیه آن موفق سازد. حقیر از اینکه موفق به زیارت مسلمانانی متعّهد و ملتزم و کوشا و متحرّک و علاقه‌مند به تعظیم شعائر وحفظ سنن اسلامی شده و خدمات شما را به اسلام می‌بینم افتخار دارم.

شرکت در مجمع جهانی اسلامی و نماز جماعت و اجتماع پرشور و پر معنای شما مردم مسلمان مخصوصاً جوانان و دانشجویان عزیز و دیدن نتایج ارزنده‌ی تلاش‌ها و کوشش‌هایی که برای تأسیس مجمع جهانی اسلامی شده است واقعاً لذّت‌بخش بود.

چنانچه خلوص نیت شرکت‌کنندگان در جلسات مجمع جهانی اسلامی و عشق و علاقه‌ی زن و مرد مسلمان و خدماتی که همگی به رهبری حجت الاسلام و المسلمین آقای مصباح زاده دامت برکاته به اسلام و مسلمین و معرفی تشیع- که اسلام پاک و خالص است- می‌نمایید سزاوار تحسین و تقدیر است و این مجمع اسلامی و این

صبح صادق، ص: ۸

اجتماعات و این همکاری‌ها و تبلیغات در قلب اروپا موجب سرافرازی و مباهات است و تأسیس آن اقدام خداپسندانه‌ای است که در جهت تأسی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهتمام آن حضرت به هدایت بشر قرار دارد و سبب رضای خداوند متعال و مسرت خاطر انور حضرت ولی عصرارواح العالمین له الفدا است و حقاً جهانی بودن رسالت اسلام اقتضا دارد که این‌گونه مجامع گسترده‌تر و هر چه کامل‌تر در تمام شهرهای بزرگ اروپا و امریکا و خاور دور و غیره تشکیل شود تا ندای جان بخش توحیدی اسلام به گوش جهانیان برسد.

بدیهی است تقدیر از این مجمع و از خدمات برادران و خواهران مسلمان مفهومش این نیست که آنچه لازم است انجام شده و دیگر وظیفه‌ای باقی نیست، زیرا باید مراکز تبلیغی دیگران و هزارها کلیسایی که مجهز به تمام وسایل مادی هستند و جدیت و قدرت و امکانات آنها را در نظر گرفت و نیز اینکه این مجمع در چنین محیطی عهده‌دار تبلیغات و ادای رسالت اسلام شده است. پس این قدم هر چند بسیار مهم و وسیع باشد قدم اول بوده و هنوز در ابتدای راه، گام بر می‌داریم.

باید با کوشش و مساعی، عموم مسلمانان، اهل هر کشور و ملّت که باشند، متّحد و یک صدا و هماهنگ کار کنند و برای توسعه‌ی این مجمع از هر جهت، مادی و معنوی در خارج و داخل هر کس به سهم خود از کمک و یاری مضایقه ننماید، تا این مؤسسه در خور شأن و مقام خود به فعالیت‌های اسلامی ادامه داده، تشکیلات خود را در رشته‌های مختلف ارشاد و تبلیغ و پرورش افکار توسعه دهد و بر آبرو و عزّت و شرف مسلمانان بیفزاید. انشاء الله تعالی.

از خداوند متعال برای همه‌ی شما موفقّیت بیشتر و سعادت و ترقّی

صبح صادق، ص: ۹

و خیر دنیا و آخرت مسئلت می‌نمایم و به مقتضای:

«من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر اللّه عز و جل»[۱]

در درجه‌ی اول از مرجع عالیقدر حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی دام ظلّه بنیان‌گذار و مؤسّس مجمع جهانی

اسلامی لندن و مساجد و مجامع و مؤسسات اسلامی دیگر و سپس از دانشمند معظّم حضرت آقای مصباح‌زاده که خدمات و زحماتشان در تأسیس این مجمع و احیای اسلام در این کشور بسیار قیمتی و درخشان است تقدیر و تشکر می‌نمایم.

«اللهّم أنت المجازی لأهل البّر و الجهاد فأجزهم خیر جزاء المحسنین و المجاهدین».

برای اینکه از این سفر یادگاری از خود به جای گذارده باشم به مناسبت ایام سوگواری ماه صفر و رحلت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و عید سعید میلاد آن حضرت در ۱۷ ربیع‌المولود مقالاتی با حال شدّت کسالت و بیماری و نداشتن وسیله‌ای جز قلم و کاغذ نوشتم و به عنوان هدیه حضور برادران و خواهران محترم مسلمان، تقدیم می‌دارم. امید است اگر در آن نواقص و کوتاهی‌هایی باشد با قلم مهر، اصلاح فرمایند.

و ما توفیقی الا بالله

لندن/ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۹۷

[۱۷ اسفند ۱۳۵۵ هجری شمسی

لطف الله صافی

صبح صادق، ص: ۱۱

هدیه اول: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی‌الله علیه و آله

اشاره

صبح صادق، ص: ۱۳

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)[۲]

به خواست خداوند متعال سخن ما در این مقاله تحت عنوان: «درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله» خواهد بود.

وجود مقدس حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله جامع انواع عظمت‌های انسانی و بزرگواری‌های یک فرد بی‌نظیر و بی‌مانند بشری بود که شرح هر یک از آن عظمت‌ها در این مقاله امکان ندارد. و اجمالًا اگر انبیاء و پیغمبران را ب-- ه لقب قهرمانان خواندن مناسب شأن رفیعشان بود باید آن حضرت را چنانچه مؤرخ شهیر انگلستان توماس کارلایل در بین تمام پیغمبران یگانه قهرمان خوانده، در همه‌ی عظمت‌ها قهرمان یگانه و موفّق و بی‌نظیر بخوانیم.

در این مقاله فقط می‌خواهیم با چند رشته از عظمت‌های آن حضرت آشنا شویم واز هر یک برای سازندگی شخصیّت خود درس و سرمشق بگیریم.

۱. عظمت در رسالت و دعوت

در بین دعوت کسانی که در تاریخ بشر برای اصلاحات اجتماعی یا انقلابات بنیادی قیام کرده‌اند. دعوتی عالی‌تر و رسالتی انقلابی‌تر و جامع‌تر از رسالت پیغمبر اسلام نبوده است.

صبح صادق، ص: ۱۴

بدیهی است درک عظمت این رسالت محتاج به بررسی‌های زیادی است که به طور فهرست به بعض آنها اشاره می‌شود:

۱. بررسی اوضاع اخلاقی و دینی جوامع بشری در عصر ظهور آن حضرت.

۲. بررسی اوضاع علمی و فرهنگی.

۳. بررسی اوضاع اجتماعی ملل و امم.

۴. بررسی اوضاع سیاسی و رژیم‌های حاکم بر جوامع انسانی.

۵. بررسی وضع بانوان در سراسر دنیا و بالخصوص در جزیرةالعرب.

۶. بررسی وضع بردگان و غلامان.

۷. بررسی اوضاع اقتصادی و نظامات مالی.

۸. بررسی عادات و قواعد و رسوم.

۹. بررسی نظامات جنگی.

۱۰. بررسی ارزش حقوق انسان در آن زمان.

و بررسی‌های دیگر که فعلًا در این مقاله مجال بسط و تفصیل آن نیست و همه منتهی به این می‌شود که دنیا در تمام این شئون، وضع بسیار غیرانسانی و اسف‌انگیزی داشت که اگر رسالت حضرت محمّدصلی الله علیه و آله به کمک بشریت نیامده و از او دستگیری نکرده بود و سیر ارتجاعی بشر از آن عصر به بعد هم چنان ادامه می‌یافت دنیا از علم و فضایل و حقوق و آزادی و آنچه بعد از آن حضرت به ظهور پیوسته محروم می‌ماند.

اساس عظمت دعوت پیغمبر اسلام دعوت به توحید و یکتاپرستی است که در کلمه‌ی طیّبه‌ی لا اله الّا الله خلاصه می‌شود. کلمه‌ای که از آن ارزنده‌تر و آزادی بخش‌تر و روشن‌تر و نجات دهنده‌تر نیست. کلمه‌ای که در آن تمام برابری‌ها و برادری‌ها و الغای امتیازات پوچ و موهوم نهفته

صبح صادق، ص: ۱۵

است. کلمه‌ای است که به گفته‌ی گوستاولوبون دانشمند مشهور فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب در بین ادیان تاج افتخاری است که فقط بر سر اسلام قرار دارد.

کلمه‌ای که استثمار و استضعاف را محکوم و ریشه‌کن می‌سازد و هر اطاعتی را که در اطاعت خدا و قانون خدا درج نباشد ناروا و غیرمجاز قرار می‌دهد. کلمه‌ای که اعلان آزادی بشر و حقوق انسان‌ها است. کلمه‌ای که مستبدان را به زانو در آورد و اعلان جنگ داد و بشریت را علیه آنها بسیج کرد. آری حکم مخصوص خدا است و غیر از او کسی که سزاوار پرستش باشد نیست. همه باید شعارشان کلمه‌ی «لا اله الّا الله» باشد. شعاری که یک فرد عادی را با بزرگترین امپراطوری‌های عالم برابر می‌سازد و شعاری که هر کس آن را فهمید و درک کرد خود را با کسری و قیصر مساوی و برابر و بلکه در ارزش انسانی برتر یافت.

راجع به این شعار و این کلمه و معانی گسترده‌ی آن که شامل تمام شئون حیاتی انسان می‌شود سخن حتی در یک کتاب بزرگ به پایان نمی‌رسد و این جانب در رساله‌ای به نام «رساله توحیدیه» ابعادی از عقیده‌ی توحید را که با آزادی بشر و استقلال انسان‌ها و تهذیب افکار از عقاید موهوم و خرافی ارتباط دارد، شرح داده‌ام.

پایه‌ی دیگر دعوت اسلام برابری و مساوات است که آن هم رشته‌ای از معنی کلمه‌ی توحید است در قرآن می‌فرماید:

(تَعَالَوْاْ إِلَى كَلَمَةٍ سَوَاء بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ [۳]

صبح صادق، ص: ۱۶

بیایید به سوی کلمه‌ای که مساوی و برابر میان ما و شما است: اینکه نپرستیم مگر خدا را و شریکی برای او قرار ندهیم و بعض ما بعض دیگر را سوای خدا ارباب و صاحب اختیار خود نگیرد.

پایه‌ی سوم دعوت اسلام دعوت به برادری و همکاری و اخوت همگانی است که در آن رنگ و نژاد و فاصله‌های دیگر محو شود و تمام بشر را بتواند با هم برادر سازد.

که قرآن می‌فرماید:

(وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا)[۴]

همه به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق و جدا نشوید و نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید آن هنگام که با هم دشمن بودید و خدا میان دل‌های شما الفت و پیوند داد پس به لطف او برادر شدید.

پایه‌ی چهارم رسالت اسلام، دعوت به عدالت و حکم به عدل واحسان و نیکی است که در قرآن می‌فرماید:

(إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ [۵]

خدا به عدل و احسان امر می کند.

صبح صادق، ص: ۱۷

(اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى [۶]

عدالت ورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

(وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ [۷]

وقتی میان مردم حکم کردید، به عدل حکم کنید.

پایه‌ی پنجم دعوت به الغای امتیازات نژادی و قبیله‌ای و هر امتیاز دیگر که مانع تشکیل جامعه‌ی بزرگ و برادری جهانی است. در قرآن می‌فرماید:

(إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ [۸]

پایه‌ی ششم دعوت به سعی و عمل و کار و کوشش است. چنانچه در قرآن می‌فرماید:

(وَأَن لَيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى [۹]

پایه‌ی هفتم دعوت به برابری زن و مرد در ارزش‌های واقعی انسانی است. چنانچه می‌فرماید:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ

صبح صادق، ص: ۱۸

مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [۱۰]

هر کس از مرد و زن که عمل صالح کند و مؤمن باشد او را به حیاتی پاک زندگی می‌دهیم و نیکوتر از آنچه عمل کردند به آنها پاداش می‌دهیم.

و در سوره‌ی احزاب می‌فرماید:

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)[۱۱].

که حاصل معنی این است که در این فضایل ده گانه اسلام: ایمان، عبادت خدا، راستی، صبر و شکیبایی، خشوع و ترس از خدا،

صبح صادق، ص: ۱۹

صدقه و احسان و نیکی، روزه‌داری و عفت و پاکدامنی، بسیار به یاد خدا بودن برای مرد و زن آمرزش و مغفرت و مزد بزرگ آماده است که در این میدان مسابقه در ارزش‌های حقیقی انسانی زن و مرد طبق تعالیم اسلام شرکت نمایند و هر کس گوی سبقت را برباید به خدا نزدیک‌تر و از کمال انسانی بهره‌مندتر است. اینها علاوه بر حقوق مالی و مدنی است که اسلام به زن عطا کرده و به او استقلال و شخصیت داده است که انسانی‌تر از آن در هیچ مکتبی نیست.

پایه‌ی هشتم این است که عقل و فهم بشر را مخاطب قرار داده و مردم را به تعقل تفکر مأمور می‌سازد و از آنها می‌خواهد که به حکومت عقل گردن نهند و حق را از باطل تشخیص دهند. در قرآن مجید می‌فرماید:

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُوْلِي الْأَلْبَابِ [۱۲]

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُوْلَئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ [۱۳]

پایه‌ی نهم این است که بشر را به علم و دانش و بینش تشویق می‌نماید و مقام علم را بالا برده و مافوق تمام مقامات قرار داده است و در آیات متعدد قرآن مجید خدا علم و دانش و دانشمندان را ستوده و به آن تشویق و امر فرمود و نام علما را در ردیف نام خود

صبح صادق، ص: ۲۰

و فرشتگان یاد کرده است.[۱۴]

پایه‌ی دهم این است که تعلیماتش همه مطابق فطرت است و تحمیل بر فطرت بشر نیست خواسته‌های واقعی بشر را بر می‌آورد، و غرائز او را رعایت و ملاحظه نموده است به هر چه نیکو و فطرت پسند است فرمان داده و از هر چه وجدان و فطرت پاک از آن متنفر

صبح صادق، ص: ۲۱

است نهی کرده است. در قرآن مجید می‌فرماید:

(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [۱۵].

به پادار روی خود را از برای دین حنیف و خالص فطرت خدا است که مردم را بر آن سرشته است تبدیلی در آفرینش خدا نیست این است دین قیّم و استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

پایه‌ی یازدهم این است که دعوت اسلامی، افراد مسلمان را متعهّد و مسئول می‌نماید که در حسن جریان امور و اجرای احکام و برنامه ها و نظامات اسلامی و تامین مصالح عمومی مداخله و نظرات نمایند و جامعه رستگار را چنان جامعه‌ای می‌داند که این اصل در آن اجرا می‌شود و این اصل در دو عبارت کوتاه و پرمعنی خلاصه می‌شود: «امر به معروف و نهی از منکر»

در قرآن مجید می‌فرماید:

(وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَ- ئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [۱۶]

باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر و نیکی دعوت کنند و امر به معروف و خوبی

صبح صادق، ص: ۲۲

بنمایند و از منکر و کار زشت باز بدارند و ایشان همان رستگاران‌اند.

و به قدری این اصل نظارت مردم بر اجرا قوانین بزرگ است که علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثهٔ فی بحر لجی»[۱۷]

پایه‌ی دوازدهم دعوت اسلام به صلح و سازش و گذشت و اغماض و عفو و مقابله کردن با بدی به نیکی و پاداش دادن سفاهت و جهالت به مهر و محبّت و یاری و اعانت است در قرآن مجید می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ ادْخُلُواْ فِي السِّلْمِ كَآفَّةً)[۱۸]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگان در سازش وارد شوید.

و نیز می‌فرماید:

(وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ [۱۹]

صبح صادق، ص: ۲۳

خوبی و بدی برابر نیستند. بدی را به آن طور که نیکوتر است برگردان تا آن کسی که میان تو و او دشمنی است مثل دوست خویشاوند گردد.

و پایه‌های دیگر راجع به عالم غیب و امور مالی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی و عفت عمومی و آداب و فضایل تعاون و خیرخواهی و رعایت اعتدال در کارها و امور انسانی دیگر که همه از قرآن مجید و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام استفاده می‌شود و شایسته است که شخص مسلمان حداقل آیات مربوط به این پایه‌ها را که در هر مجمع انسانی عالی‌ترین اصول شمرده می‌شود حفظ نماید.

۲. عظمت در اراده و تصمیم

دومین عظمت از عظمت‌های پیامبر اسلام عظمت در اراده و تصمیم است انجام کارهای بزرگ و قیام و انقلاب محتاج به اراده قوی و عزم راسخ و تصمیم محکم و استوار است. هر چه کاری که شخص می‌خواهد انجام بدهد عظیم‌تر باشد تصمیم بزرگتر و قوی‌تر می‌خواهد. بسیاری از مردم هستند که سخن از کار بزرگ و عمل خطیری به میان می‌آورند و به ظاهر خود را مصمّم بر انجام آنها کار نشان می‌دهند اما در وسط کار تطمیعات مالی و یا شهوانی یا جاه و مقام یا تهدیدات و سختی‌ها و دشواری‌ها و مصائب آن را از کار منصرف و تصمیم‌شان را ضعیف و باطل می‌نماید.

پیغمبر اسلام به حق در میان مردان بزرگ تاریخ در تصمیم،

صبح صادق، ص: ۲۴

عظیم و یگانه بود. وقتی مأموریت رسالت جهانی در غار حرا به عهده او واگذار شد، وقتی مبارزه با تمام گردن‌کشان و استثمارگران دنیا و مذاهب باطله و منسوخه و عادات سخیفه و زورمندان وحشی و غارت‌گران و آدم‌کشان و الغاء رسوم شرک و بت‌پرستی از جانب خدای جهان به او پیشنهاد شد بدون درنگ پذیرفت و از غار حرا برای انجام آن قیام و انقلاب بزرگ و تاریخی قدم بیرون

گذارد و مأموریتی را که احدی جرأت اظهار آن را در برابر یک نفر نداشت مصمّمانه به دوش گرفت و در مکه مرکز بت‌ها و بت‌پرست‌ها و کسانی که فخر و افتخارشان آدم‌کشی و قتل و غارت بود، اعلان کرد و بدون خوف و بیم فریاد:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»[۲۰]

را بلند فرمود.

در اینجا شخص باید تاریخ را مطالعه کند تا از زبان گویای آن، مصائب و دشواری‌ها و زحمات و رنج‌هایی را که به پیغمبر در راه اعلام عقیده‌ی توحید و ابلاغ احکام اسلام رسید، بشنود.

فشارها و رنج‌هایی که پیغمبر دید هر یک از آنها برای اینکه یک مرد مصمّم را از کار خود باز دارد کافی بود؛ او را اذیت می‌کردند توهین می‌نمودند سنگ‌باران می‌کردند دروغگو و ساحر و مجنون

صبح صادق، ص: ۲۵

می‌خواندند کسانی را که به او ایمان می‌آوردند مورد شکنجه و تعذیبات سخت قرار می‌دادند. سه سال او را و کسان و یارانش را در شعب ابی طالب که درّه‌ای بود محصور ساخته و با آنها قطع رابطه کردند. ولی محمّد صلی الله علیه و آله در تصمیم خود باقی ماند، متزلزل نشد؛ عقب ننشست؛ به آینده اطمینان داشت و امیدوار و خوش بین بود که بر تمام این موانع و شدائد پیروز می‌شود. وقتی دیدند تهدید و شکنجه و قطع مواد خوراکی و قطع رابطه، کاری انجام نمی‌دهد و محمّد صلی الله علیه و آله را در رسالتش سست نمی‌سازد از راه تطمیع جلو آمدند. به ابوطالب گفتند پیشنهاد می‌دهیم اگر محمّد صلی الله علیه و آله مال می‌خواهد به قدری مال به او بدهیم که از همه‌ی ما ثروتمندتر شود و اگر زن زیبایی می‌خواهد زیباترین دوشیزگان را به ازدواج او در می‌آوریم و اگر ریاست و حکومت می‌خواهد او را بر خود حاکم و رئیس قرار می‌دهیم، خلاصه هر چه بخواهد در اختیار او می‌گذاریم و این انقلاب دینی و اجتماعی را که شروع کرده است تعقیب ننماید.

وقتی ابوطالب پیشنهاد آنها را به عرض برادر زاده‌ی عزیزش رساند و فراهم شدن تمام شئون دنیایی و لذائذ مادی را به او خبر داد و تاریخ را با این پیشنهاد بر سر دو راهی قرار داد چه جواب شنید؟ لحظه‌ی خطیری بود که هر کلمه‌ای بر زبان محمّد صلی الله علیه و آله جاری می‌شد در سرنوشت تاریخ، اثر می‌گذاشت. اگر ابوطالب، جواب مثبت می‌شنید بت‌ها باقی می‌ماند و زنده به گور کردن دخترها ادامه می‌یافت، رباخواری، ظلم و ستم و استضعاف

صبح صادق، ص: ۲۶

رژیم‌های فاسد و سلب حقوق ضعفا، همه آزاد می‌شد و محمّد صلی الله علیه و آله هم با گرفتن حق السکوت در خانه می‌نشست و به عیش و لذت‌رانی سرگرم می‌شد و از نظر سران بت‌پرست‌ها عزت و احترامش فوق العاده می‌گشت.

اما محمّد صلی الله علیه و آله مأموریتش خدایی بود و تصمیمش آسمانی. او بدون تردید و بدون درنگ به عمویش فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند که از دعوت خود دست بردارم قبول نخواهم کرد.»[۲۱]

آری! دنیا و آنچه در آن است از زر و زیور و مال و ثروت و مقام و ریاست در چشم مرد حق و بنده‌ی حق پشیزی ارزش ندارد و مرد خدا را فریب نمی‌دهد.

تاریخ زندگی پیغمبر اسلام در همه‌ی حالات نمایشگر تصمیم و عزم راسخ و پایداری و استقامت او است.

در جنگ احُد که آن چشم زخم بزرگ به سپاه اسلام رسید محمّد صلی الله علیه و آله فقط خدا را می‌خواند. در جنگ بدر که قریش و لشکر کفر با ساز و برگ و عِدّه و عُدّه‌ی کافی آمده بودند و به ظاهر بر حسب قوای مادی فتح خود و شکست مسلمانان را قطعی می‌دانستند به درگاه خدا عرض می‌کرد:

«اللهم ان تهلک هذه العصابهٔ من اهل الاسلام لا تعبد فی الارض»[۲۲]

صبح صادق، ص: ۲۷

همه جا و در هر ایستگاه عظمت تصمیمش نمایان و درخشان بود و در هیچ کجا سست نشد.

۳. عظمت در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا

در این عظمت، پیامبر گرامی اسلام نمونه و یگانه و سرآمد تمام زهاد بود.

از نشانه‌های زهد آن حضرت این بود که در آن وقتی که در اوج عظمت ظاهری و قدرت مادی قرار گرفته بود با دست خود نعلین خود را می‌دوخت و لباس خود را وصله می‌کرد و از تجمّلات دنیا پرهیز داشت و اگر زیوری از زیورهای دنیا را در خانه می‌دید می‌فرمود:

«آن را از نظر من پنهان کنید؛ مبادا که به دیدنش مشغول شوم و به یاد دنیا افتم.»[۲۳]

بسیار اتفاق می‌افتاد که روزها و بلکه ماه می‌گذشت و در خانه‌ی آن حضرت غذایی طبخ نمی‌شد و فقرا و مستمندان را بر خودش و فاطمه عزیزش و حسن و حسینش مقدم می‌داشت.

در آن عصر محروم‌ترین طبقات که از هر جهت حالشان تأسف‌انگیز بود و مورد استضعاف بودند و تحمیلات طاقت‌فرسا به آنها می‌شد غلامان و بردگان بودند که افتادگان اجتماع بودند. پیامبر عزیز اسلام که رسالت و دعوتش در جهت کمک به آنها و آزاد کردن آنها و حفظ حقوقشان قرار داشت و در قرآن مجید درباره‌ی آنها به طور مؤکّد سفارش شده و برنامه‌ای برای آزادی آنها مقرر شده است، در منظر

صبح صادق، ص: ۲۸

خارجی و خوراک و پوشاک و نشست و برخاست مانند غلامان بود.[۲۴] غذایش از غذای غلامان خوردنی‌تر و لذیذتر نبود و لباسش از لباس آنها بهتر نبود و مانند آنها می‌نشست. پول و درهم ذخیره نمی‌فرمود آن قدر روی حصیر نشسته بود که بر بدنش اثر گذاشته بود.

پیغمبران دیگر مانند عیسی بن مریم علی نبیّنا و آله و علیه السلام هم زاهد بودند. اما تفاوت عیسی مسیح با پیغمبر اسلام این است که عیسی مال و مقامی در اختیار نداشت ولی پیغمبر اسلام قبل از اینکه به رسالت مبعوث شود و در آغاز بعثت ثروت سرشار خدیجه را در اختیار داشت و در سال‌های پایان عمر تمام شبه جزیره‌ی عربستان را؛ اما همچنان زاهد و بی‌اعتنا به دنیا بود. به جوع و گرسنگی عادت داشت و روزه بسیار می‌گرفت.

۴. عظمت و رعایت مساوات و برابری انسانی با مردم

در این عظمت پیغمبر عظیم الشان اسلام، یگانه معلّم مساوات و برابری بود علاوه بر آنکه به وسیله‌ی وحی الهی و آیات قرآن مجید برابری و مساوات انسان‌ها را اعلام داشت عملًا نیز آن را به مردم تعلیم داد.

مجالس او بالا و پایین نداشت و از چگونگی نشستن آن حضرت و اصحابش پیغمبر شناخته نمی‌شد تا کسی بگوید آنکه مقدّم بر همه و بالای مجلس نشسته است پیغمبر است؛ یا اینکه اغنیا و

صبح صادق، ص: ۲۹

اقویا به او نزدیک‌تر بنشینند. این حرف‌ها که هنوز هم در دنیای به اصطلاح متمدّن هوادار دارد در مجلس پیغمبر و مکتب تربیتی او وجود نداشت. فقیر و غنی و شاه و گدا همه از چشم پیغمبر یکسان بودند.

در جنگ بدر که مرکب و اسب و شتر مسلمان‌ها کم بود و مطابق نفرات مرکب نداشتند و مراکب را بین نفرات به طور متعادل تقسیم کردند به هر دو یا سه نفر یک مرکب رسید. که به تناوب سوار و پیاده شوند. از جمله به پیغمبر صلی الله علیه و آله و دو نفر دیگر که یک نفر از آنها علی علیه‌السلام بود یک مرکب رسید هر وقت نوبت پیاده رفتن پیغمبر و فرمانده‌ی کل قوا می‌شد علی علیه السلام و نفر دیگر می‌گفتند: «یا رسول الله! شما سوار باشید؛ پیاده نشوید، ما پیاده می‌آییم.» اما پیغمبر قبول نمی‌فرمود و پیاده می‌شد و قریب به این مضمون می‌گفت: «نه شما از من در پیاده رفتن تواناترید و نه احتیاج من به اجر و ثواب و رحمت خدا از شما کمتر است.»[۲۵]

در یکی از غزوات و جنگ‌ها می‌خواستند گوسفندی را ذبح و طبخ نمایند هر کدام از اصحاب کاری را عهده‌دار شدند. پیغمبر فرمود: «من هم هیزم جمع می‌کنم.» گفتند: «ما شما را از کار بی‌نیاز می‌سازیم.» فرمود: «نمی‌خواهم بر شما امتیاز داشته باشم.»[۲۶] می‌فرمود:

«کلکم لآدم و آدم من تراب

صبح صادق، ص: ۳۰

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَاللَّهِ أَتْقاكُمْ

ولیس لعربی علی عجمی فضل إلا بالتقوی»[۲۷]

، «الناس سواء کاسنان المشط»[۲۸]

همه‌ی مردم با هم برابرند؛ کسی را بر کسی برتری نیست.

۵. عظمت در اصلاحات بنیادی اجتماعی

در تاریخ رهبران اصلاحات و انقلابات بزرگ، احدی نیست که مانند پیغمبر اسلام در مدتی کوتاه این همه انقلاب فکری و عملی و اجتماعی به وجود آورده باشد. منفلوطی می‌گوید: «مردی خدمت رسول خدا عرض کرد: یا رسول الله! ما نمی‌دانیم با چه زبانی از شما تقدیر و تشکر نماییم. شما بر ما حقوق و منّت‌های بزرگ دارید ما را از زیر بار سنگین عادات زشت و غل‌ها و زنجیرهایی که خود را به آن گرفتار کرده بودیم نجات دادی. سپس داستان دختر هفت ساله‌اش را که زنده به گور کرده بود به عرض رسانید و گفت: فراموش نمی‌کنم وقتی می‌خواستم دختر زیبا و شیرین زبانم را زنده به گور کنم و خاک بر رویش بریزم دامنم را گرفته بود و التماس می‌کرد و می‌گفت پدر چرا با من این گونه رفتار می‌کنی؟ اما هرچه گفت و التماس نمود و گریه و زاری کرد نتوانست مرا از آن عمل و جنایت بزرگ و ننگین باز دارد و من با دست خود، دختر شیرین زبان

صبح صادق، ص: ۳۱

هفت ساله‌ام را زنده به گور کردم. تو ای پیغمبر! بر ما منّت‌ها داری که ما را از این عادات پلید و غیر انسانی نجات دادی.»

تولستوی می‌گوید: «شک نیست که محمّد صلی الله علیه و آله از بزرگترین رجال و مردانی است که به اجتماع خدمات بزرگ کردند. همین قدر در فخر او بس است که امتی را به نور حق هدایت کرد و از خونریزی و زنده به گور کردن دختران و قربانی کردن انسان‌ها بازداشت و مردی مانند او سزاوار احترام و اکرام است.»

پیغمبر از دنیا نرفته بود که آیین بت‌پرستی در شبه جزیره‌ی عربستان از بین رفت و از بت‌ها اثری نماند و خداپرستی و نماز و روزه و زکات و سایر فرایض و برنامه‌های اسلام عملی شد و رباخواری موقوف گردید. می‌نوشی و می‌گساری که بسیار رواج داشت به محض نزول آیه‌ی تحریم خمر، متروک گردید و یک نفر لب به شراب نگذارد و قطره‌ای از آن یافت نمی‌شد. در روز اعلام تحریم خَمر تمام خُمره‌های شراب را خود مردم روی زمین ریختند. قماربازی موقوف شد. زنان و دختران عزّت یافتند و به حقوق واقعی یک انسان نایل شدند. بردگان، احترام انسانی پیدا کردند، از ظلم و تحمیلات مصونیّت یافتند و برنامه‌های آزادی آنها با سرعت شروع شد. معاملات و بازرگانی‌ها بر اساس صحیح قرار گرفت. از بی‌عفتی‌ها و ناپاکی‌ها و زنا و رفیق گرفتن‌های زن‌ها و کارهای نکوهیده دیگر اثری باقی نماند. تکبر و استبداد، ننگ و عار گشت و تواضع و فروتنی افتخار شد. قوانین و مقررات ارث و ازدواج و طلاق و جهاد و صلح و وصیت و هبه و رهن و مزارعه و مساقات و احیاء

صبح صادق، ص: ۳۲

موات و قضاء و شهادات و غیره اجرا شد و دیگر حقوق مالی ایتام پایمال نمی‌شد. دیگر بانوان جزء متروکات مرد شمرده نشدند و با طلاق‌های مکرر و نامحدود و رجوع‌های پی در پی بلا تکلیف و سرگردان نشدند. فقرا و زیردستان اجتماع در مجمتع انسانی اسلام در صف اغنیا قرار گرفتند و بلکه بر اساس صلاحیّت و شایستگی بر اغنیا، امارت می‌یافتند.

شرح عظمت پیغمبر در اصلاحات بنیادی اجتماعی و انقلاب بی‌توقف و هر زمان و هر مکانی اسلام، بسیار طولانی است و الحق که تاریخ، احدی از رجال اصلاح و انقلاب را در این همه رشته‌های گوناگون مادی و معنوی و روحی و جسمی و فردی و اجتماعی- در این مدت کوتاه- مانند آن حضرت موفق و پیروز، نشان نمی‌دهد.

۶. عظمت در تشریع قوانین و احکام و شرایع

در بین مشرعین بزرگ و قانونگذاران، توفیقی که نصیب پیغمبراسلام شد نصیب احدی نشده است.

علاوه بر آنکه قوانینی که قانونگذاران و مجالس بزرگ مقننه با آن همه عرض و طول وضع می‌نمایند جامع و کامل و خالی از عیوب و نواقص نیست و موسمی و موقّت است و پس از مدّت کوتاهی به تجدید نظر واصلاح و بلکه الغای آن محتاج می‌شوند قانونگذاری که بتواند در مدت بیست و سه سال با اشتغالات خطیر گوناگون- که هر یک برای اینکه تمام وقت شخص را بگیرد و او ضمن پرداختن به امور نماز، روزه، حج، دعا، معاملات، تجارت،

صبح صادق، ص: ۳۳

اقتصاد، کشاورزی، دامداری، باغداری، همسرداری، فرزندداری، ارث، سیاست، داوری، حل و فصل دعاوی و اختلافات، کیفر و مجازات و اخلاق و آداب حتی آداب غذا خوردن، لباس پوشیدن، خوابیدن، راه رفتن، نشستن، بیمارداری و بهداشت و احکام اموات و غیره با گفتار و عمل، هزاران هزار مواد جامع و کامل و قانون و برنامه‌ی زندگی به بشریت عرضه کند- غیر از پیغمبر اسلام روی صفحه‌ی تاریخ و دنیا ظاهر نشده است. هر کس این موضوع را باور نمی‌کند می‌تواند شخصاً قوانین اسلام را بررسی نماید و می‌تواند به نتایج تحقیقات محققان منصف غیر مسلمان رجوع نماید.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر ظاهر می‌شود که به قانونگذاری‌ها و همکاری‌ها و همفکری‌ها و مطالعات و مباحثات دامنه‌داری که پیرامون یک مادّه‌ی قانونی می‌شود و بالاخره به مجالس مقننه ارجاع می‌گردد و تحت شورها و بررسی واقع می‌شود توجه نماییم.

آیا این عظمت نیست که شخصی بدون مشاور و معاون و بدون سابقه‌ی مطالعات قانونی و دیدن دانشکده‌های حقوق و بدون سابقه‌ی بررسی‌های بهداشتی و اجتماعی و تجارب قضایی و مالی و غیره در تمام جهات و حقوق مردم، قوانینی عرضه بدارد که هنوز پس از چهارده قرن، زنده و انسانی‌ترین قانون اجتماع و اصول و مواد آن مورد تصدیق و حمایت حقوقدانان جهان و به

عقیده‌ی اهل تحقیق و انصاف، یگانه راه حل مشکلات کنونی بشریت باشد؟
واقعا این عظمت حیرت انگیز است و دلیل بر روحی الهی و رسالتی آسمانی است.
صبح صادق، ص: ۳۴

۷. عظمت در علوم و معارف

اسلام، دین علم است؛ دین معارف است. یکی از عظمت‌های حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله این است که معارفی که در قسمت الهیات و خداشناسی و مبداء و معاد و رشته‌های دیگر عرضه داشته استوارترین و منطقی‌ترین معارف است.
مسلّم است که پیغمبر اسلام درس نخوانده بود و اصلًا شبه جزیره‌ی عربستان محل درس نبود و اگر کسی هم می‌توانست چند کلمه‌ای بنویسد چیزی نبود و او را از علوم و معارف بهره‌مند نمی‌کرد؛ مانند میلیون‌ها افرادی که سواد خواندن و نوشتن دارند اما از حقایق و معارف بهره‌ای ندارند. این علومی که از پیغمبر اسلام ظاهر شده و در کتاب آسمانی او شرح و بیان گردیده است با سال‌ها تحصیل در دانشگاه‌های الهیات و تحقیق در رشته‌های مختلف فلسفه و حقوق و علوم فراهم نمی‌شود.
صحیح‌ترین و محکم‌ترین عقاید را در قسمت الهیات و فلسفه‌ی نظری و در قسمت اخلاق و حکمت عملی در اختیار بشر گذارد. و در رشته‌های مختلف علوم که بسیاری از آن سال‌ها و قرن‌ها بعد کشف و بر بشر معلوم شده مثل جنین شناسی، نبات شناسی، معرفت اعضاء، کیهان شناسی، عدد ستارگان، مسئله‌ی تسخیر فضا، طرز جلوگیری از بیماری‌های مسری و موجودات ذره‌بینی و ...، آن قدر در قرآن مجید و احادیث شریفه بیانات و مطالب ارزنده موجود است که شرحش را در کتاب‌هایی که دانشمندان مطلع در این موضوع
نوشته‌اند باید خواند و بهتر این است که در این موضوع
صبح صادق، ص: ۳۵
چون هر چه کلام را مبسوط کنیم باز هم مختصر گفته‌ایم به دو شعر حافظ شیرازی اکتفا می‌نماییم:
ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شددل رمیده‌ی ما را انیس و مونس شد
نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوش- ت‌به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد
در این جا برای اینکه مقاله طولانی نشود سخن را کوتاه می‌کنیم و از بیان سایر نواحی عظمت رسول گرامی اسلام مانند عظمت استقامت و شجاعت و تقوا و عبادت و صداقت و امانت و عفو و گذشت و خلق عظیم و معجزات آن حضرت و عظمت‌های قرآن مجید که معجزه‌ی جاودان و دلیل صحت نبوت تمام انبیاء است صرف نظر می‌نماییم. در جایی که بیگانگان زبان به تعظیم و اعتراف بگشایند و شاعر دانشمند مسیحی در قصیده‌ای که در مدح پیغمبر اسلام می‌سراید می‌گوید.
انی مسی--- حی اهل محمّداو اراه فی سفز العلا عنوانا
من مسی- حی هستم و محمّد را تجلیل می‌کنم و او را سرآغاز کتاب علو و بلن--- دی مقام می‌دانم
و دکتر شبلی شمیل طبیعی در قصیده‌ای که عظمت‌های آن حضرت را ستوده است بگوید:
من دونه الا بطال فی کل الوری‌من حاض---- ر او غائ-- ب اوآت
تمام مردان بزرگ دنیا و قهرمانان گذشته و حال و آینده مقامشان و شأنشان و شخصیتشان مادون مقام اعلای محمّد صلی الله علیه و آله است.
صبح صادق، ص: ۳۶
معلوم است که مسلمانان باید چقدر حق شناس زحمات و هدایت‌ها و راهنمایی‌های آن حضرت باشند.

امید است در این عصر، مسلمانان آگاه و فداکار، خصوصاً نسل جوان، رسالت اسلام را به مردم دنیا برسانند و تمام نقاط را به انوار هدایت آن متصل سازند و اعصار طلایی ایمان و عمل را متعهدانه تجدید نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

صبح صادق، ص: ۳۷

هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام صلی‌اللّه علیه و آله و مواقف امام صادق علیه‌السلام

اشاره

صبح صادق، ص: ۳۹

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُم [۲۹].

در این بخش، بطور اختصار به موضوعات ذیل می‌پردازیم [۳۰]:

۱. زندگی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. موقف حساس و بلند علمی حضرت صادق علیه‌السلام در تاریخ علوم و معارف اسلام.

۳. فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلامی و بعضی تذکرات پیرامون موضوع اوّل زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

حضرت محمّد بن عبدالله بن عبدالمطّلب بن هاشم در عام الفیل سال ۵۷۱ میلادی متولّد و دنیا را به نور جمال خود منوّر و روشن ساخت.

زندگی آن حضرت را می‌توان در چهار فصل یا چهار قسمت مطالعه و بررسی کرد.

فصل اوّل: دوران رضاع، و صباوت و کودکی

در این دوره چنانچه تواریخ معتبر شرح می‌دهند اموری ازآن

صبح صادق، ص: ۴۰

حضرت دیده می‌شد که نشانه آینده‌ای بزرگ و درخشان بود، و خیر و برکت در قبیله حلیمه که دایه و مرضعه‌ی آن حضرت بود ظاهر گشت. تا سن هشت سالگی کفالت و خدمتگزاری پیغمبر با جدش عبدالمطلب بود، پس از آن بر حسب وصیّت عبدالمطلب به عمویش ابوطالب واگذار شد، و ابوطالب تا زنده بود از خدمت و حمایت آن حضرت کوتاهی نکرد.

فصل دوم: دوران بعد از کودکی تا بعثت

در این دوره آن حضرت به اخلاق کریمه و عفت و پاکدامنی، تواضع، جود و بخشش، و بزرگواری و مخصوصاً صداقت و امانت معروف و مشهور شد تا حدّی که او را محمّد امین لقب دادند، و در هنگام اختلاف قبایل بزرگ عرب بر سر نصب حجرالاسود که نزدیک بود آتش جنگ بزرگی شعله‌ور شود همگان آن حضرت را به حکمیّت و داوری قبول کردند، با تدبیر حضرت، آن اختلاف بزرگ مرتفع، و تمام قبایل راضی و خشنود شدند، در این دوره هرگز از آن حضرت کار لغو و شرکت در عمل لهوی دیده نشد. مردم را به ضیافت، و میهمانی دعوت می‌فرمود، و یتیمان را کفالت و پرستاری می‌کرد. به بینوایان و درماندگان و

افتادگـان کمـک می‌نمود و مظلومین را یـاری می‌کرد و در حلف الفضول آن پیمان مقدسـی که به ابتکار بنی هاشم مخصوصاً زبیر عموی پیغمبر برای جلوگیری از تجاوز و ظلم در خانه‌ی عبدالله بن جُدعان بسته شد صمیمانه شرکت فرمود، و بعدها نیز آن پیمان و یاد آن همکاری را گرامی

صبح صادق، ص: ۴۱

می‌داشت.[۳۱] در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه که از بانوان

صبح صادق، ص: ۴۲

سرشـناس و دارای ثروت زیـاد و به عقـل و درایت موصوف بود، و چهـل سـال از عمرش گذشـته بود ازدواج کرد، و اموال و ثروت بسیار او را که صادقانه تحت اختیار آن حضـرت گذارد در راه رفاه مردم، و دسـتگیری از ضـعفا، و فقیران انفاق کرد و با آن ثروت سرشار دلش به تجمل و خوشگذرانی مایل نشد.

فصل سوم: از بعثت تا هجرت به مدینه

در این دوره به رسالت از جانب خدای یگانه به سوی بشـریت مبعوث و برانگیخته شد و بزرگ‌ترین و سـنگین‌ترین مسئولیت‌ها را به عهـده گرفت و بـا نـدای «قولوا لاـ اله الّـا الله تفلحوا» دعوت خود را آغـاز فرمود و بطلان رسوم شـرک و بت‌پرستی و عادات باطله و تبعیضات گوناگون و استثمار و استعباد و استضعاف را اعلان کرد.

مـدّتی گـذشت و پیغمبر در میـان اسـتهزا و اذیت و آزار قوم به دعوت می‌پرداخت و جز علی بن ابیطالب علیه‌السـلام- که سـنّش در ابتدای بعثت از ده سال بیشتر نبود- و نیز همسر با وفا و خردمندش

صبح صادق، ص: ۴۳

- که بـا روشن‌بینی خـاص و سوابق درخشـانی که از اخلاـق کریمه‌ی پیغمبـر داشت حقیقت دعوت و آسـمانی بودن رسـالت شوهر گرامی‌اش را درک می‌کرد- امّتی نداشت؛ اما پیغمبر مصرّانه با پشتکار عجیب دعوت را تعقیب می‌فرمود. علی و خدیجه او را یاری می‌کردند علی در خارج خانه و خدیجه در داخل خانه.[۳۲]

در این جا دو حکایت تاریخی از آغاز دعوت که از آنها هم اسـتقامت و پایداری پیغمبر معلوم می‌شود و هم ریشه و سابقه‌ی مذهب تشیع که اسلام خالص است نشان داده می‌شود به عرض می‌رسد:

حکـایت اوّل: عفیف کنـدی (قریب به این مضـمون) می‌گویـد: سـالی برای تجـارت و بازرگانی به مکه رفتم. با عباس عموی پیغمبر روابط تجاری داشتم. در مسجد الحرام بودیم که هنگام زوال آفتاب، مردی را دیدم. آمد و نگاهی به آفتاب کرد و ایستاد. پسری در طرف راست او و زنی هم پشت سـرش ایسـتاد، و برنامه‌ای [عبادی انجام دادند. من تعجّب کردم. از عباس پرسیدم: «این چه برنامه‌ی بی‌سابقه‌ای است که من تاکنون در این جا ندیده بودم؟» گفت: «آن مرد، برادرزاده‌ی من محمّد است و آن پسر، برادرزاده‌ی دیگرم علی بن ابیطالب است. آن زن، خدیجه همسر محمّد صلی الله علیه و آله است؛ محمّد خود را پیغمبر و فرستاده خدا می‌داند و غیر از این دو نفر هم امّتی ندارد.»

عفیف کندی که سال‌ها بعد اسلام آورد تأسف می‌خورد و می‌گفت: «کاش همان وقت ایمان آورده بودم و سوّمین نفر مؤمنین

صبح صادق، ص: ۴۴

به پیغمبر بودم.»[۳۳]

حکایت دوّم: در سال سوّم بعثت آیه‌ی (وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ [۳۴] نازل گردید و پیغمبر مأمور شد خویشاوندان خود را به اسلام، دعوت کند. چهل نفر از خویشاوندانش را به میهمانی دعوت کرد و به علی دستور داد غذایی فراهم نماید. علی شیر و گوشتی که یک نفر یا سه نفر را بیشتر سیر نمی‌کرد فراهم نمود. ولی همه آن چهل تن را سیر و سیراب ساخت و پیغمبر به آنها ابلاغ کرد که من از جانب خدا پیغمبرم و مأمورم شما را دعوت کنم؛ هر کدام از شما در ایمان به من پیشی بگیرد و مرا یاری کند وزیر و خلیفه من خواهد بود. کسی جواب نداد و بعضی سخنان ناروا و درشت گفتند؛ فقط از میان آن جمع، علی برخاست و گفت: «من مؤمنم و من تو را یاری می‌کنم.» و دست در دست پیغمبر گذارد و سه بار این ابلاغ را پیغمبر تکرار کرد و در هر سه بار غیر از علی کسی به پیغمبر جواب مثبت نداد و پیغمبر دست در دست علی گذارد و فرمود: «تو وزیر من و خلیفه‌ی من هستی» میهمانان متفرق شدند، و به ابوطالب که در این مراسم پسرش خلیفه محمّد شد می‌خندیدند.

آری! برای آنها باور کردنی نبود که این دعوت جلو برود و محمّد با یاری و همکاری علی در این دعوت جهانی موفّق گردد ولی خدا بر هر کاری قادر و توانا است. این واقعه‌ی تاریخی را که متضّمن اعلام خلافت علی علیه السلام است بسیاری از مورخین معروف مانند

صبح صادق، ص: ۴۵

طبری ۳۵] و از معاصرین جوده السحّاره، و محمد حسین هیکل، و حتی کارلایل مسیحی انگلیسی در کتاب قهرمانان نقل کرده‌اند.

در این دوره، پیغمبر و کسانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند سخت مورد اذیت و آزار نادانان و سفها و حسودان و آنان که دعوت اسلام را مضّر به منافع شخصی و جاه پرستی خود می‌دانستند قرار گرفتند، و با شکنجه‌ها و تعذیبات بدنی شدید، گروندگان به حق را شکنجه و تعذیب می‌کردند، سه سال بنی‌هاشم، و مؤمنین به محمّد را در شعب ابی طالب محصور و با آنها قطع رابطه کردند و فروش نان و آرد و اشیای دیگر را به آنها ممنوع ساختند. در این مدت سه سال صبر و امتحان مسلمانان شدید شد، و از تنگدستی و گرسنگی سخت در فشار افتادند، و ابوطالب آن حامی مخلص و مؤمن واقعی پیغمبر به زحمت می‌توانست به وسیله‌ی بعضی دوستانش به طور محرمانه به مقداری که این گروه تلف نشوند اندکی آرد و طعام فراهم کند.

شب‌ها فرزند دلبندش علی را در بستر پیغمبر می‌خواباند، مبادا که به آن حضرت سوء قصدی شود تا آنکه دوران محصوریت در شعب نیز به اذن خدا تمام شد، و بعض قریش با پیمان قطع رابطه مخالفت کردند، و پیمان‌نامه آنها نیز به وضع معجزه آمیزی از بین رفت، و پیغمبر به وحی خدا از آن خبر داد.

در این دوره سوره‌های مکّی قرآن که مشتمل بر وعد و وعید و

صبح صادق، ص: ۴۶

بشارت و انذار و دعوت به روش عقاید حقّ از مبداء و معاد، و اخبار و سرگذشت انبیای گذشته و مطالب مهمّ دیگر بود نازل شد، و در این دوره بود که دو حامی بزرگ پیغمبر صلی الله علیه و آله جناب ابوطالب ۳۶] و امّ المؤمنین خدیجه از دنیا رحلت کردند و سال وفات آنها عام الحزن نامیده شد، و رسول خدا در اثر فوت ابوطالب ناچار به هجرت به طائف شد که در آنجا نیز بت‌پرست‌ها کار شکنی کرده و حضرت را سنگ باران نمودند، و پس از اسلامِ عداس مسیحی به شرحی که در تواریخ است ۳۷] به مکّه مراجعت کردند و خداوند متعال، مقدّمات دوران چهارم زندگی پیغمبر را فراهم ساخت.

فصل چهارم: از هجرت تا وفات

صـدای دعوت پیغمبر در جزیرهٔ العرب پیچید و مردمان متفکر و اندیشـمند به آن مایل شدند و روز به روز علی رغم کارشـکنی‌های سران بت‌پرســتان و ابوجهل‌هـا و ابوســفیان‌ها دعـوت اسـلام در قلـوب وارد می‌شـد، و مردمی کـه از آن می‌گریختنـد بـه آن مـایل می‌شدنـد، و روز به روز بر وسـعت دایره‌ی اسـلام افزون می‌گشت. و بالاخره با آمـدن سـران یثرب که به نام مدینـهٔ الرسول و مدینه معروف شد خدا مقدّمات هجرت پیغمبر را به مدینه فراهم کرد. و آن حضرت در

صبح صادق، ص: ۴۷

وقتی که مشـرکین و دشـمنان اسـلام، تصـمیم قطعی گرفته بودند که با یک هجوم عمومی آن حضرت را بکشند در شبی که بنا بود این تصـمیم عملی شود به امر خـدا علی را در بستر خود خوابانـد و از مکّه به مـدینه هجرت فرمود، و علی شـجاعانه، و فداکارانه در جای پیغمبر خوابید و در شأن او این آیه نازل شد:

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ [۳۸]

در این دوره، حکومت اسـلامی به زمامـداری شـخص پیغمبر تأسـیس شـد، ایشان به پادشاهان بزرگ نامه نوشت و آنها را به اسـلام دعوت کرد، و بیشتر احکـام مربوط به اداره‌ی اجتمـاع و سیاست، و امور مـالی، و نظام جهاد و دادگستری و امر به معروف و نهی از منکر و قوانین عـائله و زنـاشویی و ازدواج و طلاق و حـدود و روزه‌ی ماه رمضان و تحریم ربا و شـراب و قمار و ازدواج با محارم و دسـتورات اخلاقی و انسانی و غیره در ضـمن اشـتغالات عمـده و بزرگی که پیغمبر داشت نازل گردیـد و ابلاغ و اجرا شـد و در این دوره حدود و شخصـیت اسـلامی جامعه‌ی اسـلامی مشـخص گردید، برادری و اخوت اسلامی پی‌ریزی و برقرار شد، عالی‌ترین نظام مالی و اجتماعی و سیاسی که در همه جای دنیا بی‌سابقه بود به وجود آمد، رژیم‌های استبدادی و استضعاف و حکومت فردی و بشر پرستی محکوم شـد و جهـاد بـا کفـار نه به منظور فتـح شـهرها و کشورگشـایی بلکه به منظور آزاد کردن ملـل از یوغ حکومت‌هـای استعمارگر و اعلان حقوق بشر و مساوات

صبح صادق، ص: ۴۸

همگانی و تأسیس حکومت جهانی اسلام آغاز شد. پیغمبر در تمام غزوات، شرکت می‌فرمود، و رهبری و فرماندهی قوا را شخصاً به عهـده می‌گرفت، و در سـریه‌ها که خود شـرکت نـداشت یک نفر را به فرماندهی معیّن می‌کرد. غزوه‌ی بدر که با آن قوّت و قدرت ایمان مسلمانان ظاهر گردید[۳۹] و غزوه احد و احزاب از غزوات مهم و معروف این دوره است؛ در این غزوات بسیاری از مسلمانان از بوته‌ی امتحان، پاک و بی‌غلّ و غش بیرون آمدنـد، و نشان دادند که می‌توانند با فداکاری، رسالت اسـلام را به عالمیان برسانند و بزرگ‌ترین سـرباز فداکار این جنگ‌ها که فتح مسلمین در هر جنگ از برکت فداکاری وجانبازی او بود علی بن ابیطالب بود که در غزوه‌ی بـدر یک تنه از تمام سپاه اسـلام مجاهدات و فداکاری‌هایش بیشتر شد و بیشتر تلفاتی که به سپاه دشـمن رسـید به دست او انجام شد. در جنگ احد نیز علی بود که فداکارانه ایستاد و استقامت کرد، تا کسانی که گریخته بودند برگشتند، و در جنگ احزاب بود که پیغمبر فرمود:

«ضربهٔ علیّ یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامهٔ»[۴۰]

صبح صادق، ص: ۴۹

در این دوره، مقررات اسـلامی اجرا شـد، نمـاز جمعه و جمـاعت رسـماً و با شـرکت عموم مسـلمانان برقرار می‌گشت و مسجد قُبا و مدینه ساخته شد، و در این دوره بود که مکّه فتح شد و در سراسر شبه جزیره عربستان حکومت حق و عدالت اسلام استقرار یافت، و

پیامبر در حجّهٔ الوداع مناسک آموزنده‌ی حج را به مردم تعلیم فرمود، و در آن خطبه تاریخی، امتیازات نژادی و ملی را الغا کرد و در غدیر خم به امر خدا علی علیه‌السلام را به ولایت و جانشینی خود منصوب و معین فرمود.

حوادث این ادوار چهارگانه‌ی حیات پیغمبر به طور مفصّل در تواریخ بزرگ و مبسوط شرح داده شده است که دقّت در آن، انسان را به حقیقت اسلام آگاه، و در برابر شخصیت رسول اعظم، خاضع می‌سازد.

پیغمبر در مدت بیست و سه سال دوران رسالت کارهای بزرگی انجام داد که هر کدام به قول گوستاولوبون فرانسوی اگر امکانات فراهم باشد، و شخص رهبر از هر جهت صالح باشد حداقل محتاج به یک قرن فرصت است.

عمر رسالت پیغمبر کوتاه بود امّا عرض آن بسیار عریض بود یعنی از جهت چگونگی و فایده و بهره برای انسانیت از بیست و سه میلیون عمر میلیونها بشر بیشتر ارزش داشت.

آری! معیار ارزش عمر و زندگی بشر طول و دراز مدتی آن نیست؛ معیار آن چگونگی گذشت عمر، و فایده‌ی آن برای جامعه است که بسا می‌شود در یک سال یا یک ماه یا یک روز و یک ساعت برای یک فرد انسان توفیقی حاصل شود که تمام ارزش زندگی هشتاد و نود

صبح صادق، ص: ۵۰

ساله‌ی آن در ارزش همان یک روز و یک ساعت، خلاصه می‌شود.

از این جهت، تعیین ارزش عمر و خدمات پیغمبر به بشریت، با محاسبه‌ی عادی، ممکن نیست و واقعاً بیست و سه سال عمر رسالت آن حضرت از میلیون‌ها سال بیشتر ارزش دارد.

حتی برای روزهای زندگی آن حضرت نمی‌توان قیمت، معیّن کرد.

آن روزی که عقیده‌ی توحید را اعلان و شرک را باطل شمرد.

آن روزی که آیین صلح، صفا، برادری و برابری همگانی و حقوق انسان را به عالم عرضه داشت.

آن روزی که بانوان را از آن وضع بسیار اسفناک و غیر انسانی نجات داد و حقوق و ارزش‌های یک انسان کامل عیار به آنها اعطا کرد.

آن روزی که رسم زنده به گور کردن دختران و قربانی نمودن آنها را الغا کرد.

آن روزی که تبعیضات نژادی و قبیله‌ای را لغو نمود و فرمود برای سفید پوست فضیلتی بر سیاه پوست نیست.

آن روزی که در ضمن مقرّرات متّعدد، آزادی بردگان و پایان دادن به دوران برده‌فروشی را پیشنهاد کرد و رعایت حقوق انسانی آنها را واجب فرمود.

آن روزی که رباخواری و استثمار فقرا و ضعفا را ممنوع ساخت.

آن روزی که قمار و شراب را تحریم کرد.

آن روزی که قانون تعاون عمومی و همکاری‌های انسانی را در خدمت به بشریت اعلام نمود.

صبح صادق، ص: ۵۱

آن روزی که احسان به پدر ومادر و احترام و رعایت حقوق آنها را با مؤکدترین و لطیف‌ترین بیانات واجب گردانید.

آن روزی که صله‌ی رحم و رعایت حق خویشاوند و همسایه را به مردم ابلاغ کرد.

آن روزی که تحصیل علم و دانش و فراگرفتن صنایع را وظیفه‌ی همگان قرار داد و احترام به معلّم و استاد و دانشمندان را توصیه فرمود.

آن روزی که به عدل و داد فرمان داد و عالی‌ترین موازین علمی و قضایی و دادگستری و استوارترین نظام حقوقی را به بشر تعلیم

فرمود، و از خونریزی و آدم کُشی و تجاوز به حقوق دیگران و ظلم و ستم اکیداً منع کرد.

خلاصه، برای روزها و ساعات مختلف درخشان زنـدگی پیغمبر که هر یک از جهتی درخشنـدگی دارد نمی‌توان قیمت معیّن کرد و خدمات او را با خدمات خدمت‌گزاران دیگر نمی‌توان مقایسه کرد. به تصدیق برخی فلاسفه، بزرگ‌ترین عمل ممکن برای خدمات بشر تا این زمان، قرآن و خدمات محمّد است؛ به طور مثال، نمونه‌ی کوچکی را عرض می‌کنم.

حکومت آمریکـا زمانی که می‌خواست می‌گساری را منع کنـد ۱۴ سـال شدیـدترین مبارزات را انجام داد، و بیش از ۶۰ ملیون دلار صرف تبلیغـات نمود و صـفحات مطبوعـاتی که در زیان‌های شـراب انتشار داد به ۱۰ میلیون رسـید، و ۲۵۰ میلیون دلـار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر را

صبح صادق، ص: ۵۲

زندانی و ۱۶ میلیون دلـار جریمه گرفت، و بیش از چهارصـد میلیون دلار اموال را مصادره کرد؛ با تمام اینها شـکست خورد و دنبال کار را رها کرد امّا پیغمبر اسـلام با قدرت قانون الهی تحریم شـراب، چهارده قرن است که میلیاردها نفر از افراد بشر را از خسارت و زیان‌های شراب مصونیت بخشیده است.

موقف حساس و بلند علمی حضرت صادق علیه‌السلام

در این موضوع نیز باید راه اختصار را پیش بگیریم چون مشـروح آن در یک سخنرانی و یک مقاله و ده و صد مقاله و سخنرانی هم امکان ندارد. اخیراً یکی از دانشـمندان به نام اسـتاد اسد حیدر کتابی پیرامون شخصـیت امام جعفر صادق علیه‌السلام و علوم وفضایل آن حضـرت نوشـته است که تا جلد پنجم آن به نظر حقیر رسـیده است، هم چنین دانشـمندان دیگر مانند اسـتاد ابوزهره اسـتاد جامع الازهر در این موضوع، کتاب‌ها نوشته‌اند و در هزارها کتاب و مصادر و مآخذ اسلامی به مقامات بلند علمی، و آرای آن حضرت در رشته‌های مختلف علوم به طور تفصیل یا اجمال اشاره شده است.

امام جعفر صادق علیه‌السلام مدرسه‌ای افتتاح فرمود که تا آن عصر در اسلام بی‌سابقه بود، و پس از آن عصر نیز نظیر آن دیده نشد. شـاگردان آن حضـرت، رشـته‌های مختلف علم، ماننـد کلام، مناظره، الهیات، فقه، تفسیر، حـدیث، ادب، علوم طبیعی، شـیمی، منافع الاعضاء و رشـته‌های دیگر را از مکتب آن حضرت فرا می‌گرفتند. و این مکتب آن حضرت بود که بزرگ‌ترین علمای علوم قرآن و فقه و

صبح صادق، ص: ۵۳

کلام و شـیمی و غیره را به دنیا تحویل داد و او افرادی ماننـد محمد بن مسـلم، زراره، هشام، ابان بن تغلب، ابوحنیفه، مالک بن انس هـم از شـاگردان آن حضـرت بودنـد. ابـن عقـده که از مشـاهیر علمـای اسـلام است و در علم رجـال، متبحر است چهـار هزار نفر از شاگردان حضـرت صادق علیه‌السلام را به نام در یک کتاب جمع‌آوری کرده، و از هر کدام در یک موضوع علمی و اسلامی از آن حضرت کلام و حدیثی نقل کرده است. وقتی در مسجد کوفه احصاء شد چهار صد نفر از آن حضرت نقل علم و حدیث می‌کردند. کتـاب توحیـد مفضـل، و رسـاله‌ی اهلیلجه، و مباحثات آن حضـرت با رؤسا و سـران زنادقه و ملاحـده، و مادیین همه موجود است و اطلاع و علم وسیع آن حضرت را از طب و تشریح و خواص اشیاء ثابت می‌کند.

فقه شـیعه که متضـمن هزارهـا مـادّه‌ی قانونی و تعلیمی، و برنامه‌ی عملی و اخلاقی اسـلام است در بیشتر و بلکه تقریباً در تمام موارد مدیون علوم بی‌پایان امام صادق علیه‌السلام است.

در مثل احکام حج که یکی از بزرگ‌ترین فرائض اسـلام و متضـمن فلسـفه‌های عالی و با ارج است دنیای اسلام از دریای علوم امام صادق علیه‌السـلام مسـتفیض است و به قول ابوحنیفه همه عائله امام جعفر صادق‌اند، و حدیثی در صحیح مسلم از کتب اهل سنّت از

آن حضرت روایت شده است که مأخذ حدود چهارصد مادّه راجع به احکام حجّ است که اهل سنّت از آن پیروی می‌نمایند.
برای هر کس تاریخ را مطالعه کند قطع حاصل می‌شود که امام صادق علیه‌السلام از علوم غیب آگاه بوده است؛ حتی ابن‌خلدون که از

صبح صادق، ص: ۵۴

فلاسفه‌ی مشهور و علمای علم الاجتماع است با اینکه به واسطه‌ی دوری منطقه و وضع سیاسی محیط از علوم و فضایل اهل بیت اطلاع کافی نداشته است در فصلی که در کتاب خود راجع به امکان اطلاع بشر بر علم غیب بحث می‌کند از امام صادق علیه‌السلام نام می‌برد و می‌گوید (قریب به این مضمون): عجیب نیست شخصی مثل جعفر بن محمد با آن مقام و منزلت و صفای باطن از علم غیب با اطلاع باشد.
منصور خلیفه‌ی عباسی با اینکه وجود امام جعفر صادق علیه‌السلام را منافی با مقاصد سیاسی خود می‌دانست و از توسعه‌ی مکتب آن حضرت جلوگیری می‌کرد، بنا به نقل یعقوبی مورّخ،[۴۱] آن حضرت را عالم اهل بیت و از وارثان علم کتاب و برگزیدگان خدا و کسانی که خدا در این آیه یاد کرده است می‌دانست:
(ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا)[۴۲]
نکته‌ای که در این جا تذکرش لازم است این است که علت اینکه حضرت صادق علیه‌السلام در بین ائمه علیهم السلام در این حدّ موفق به نشر علوم اسلام و معارف قرآن گردید که حتی به این مناسبت مذهب شیعه که همان اسلام خالص است به نام آن حضرت معروف و جعفری نامیده شد این بود که اوضاع و احوال سیاسی زمان آن حضرت این فرصت را به ایشان داد؛ زیرا عصر آن حضرت، عصر ضعف بنی‌امیه و قیام مردم علیه حکومت آنها بود و

صبح صادق، ص: ۵۵

حکومت بنی عباس هم اگر چه تأسیس شد اما در آغاز کار، قدرت اعمال سیاست روی مدارس و مجالس علمی و معارف اسلامی نداشت، و برای عشاق علمی و دانش‌پژوهان آزادی، فرصتی پیدا شد که بتوانند عمیقانه علوم اسلام را بررسی و مطالعه کنند؛ از این جهت از اطراف و اکناف برای کسب علم از حضرت صادق علیه‌السلام به آن حضرت روی آوردند و حضرت در این فرصت توانستند معارف اسلام و حقایقی را که تا آن زمان مخفی مانده بود آشکار و در اختیار مردم بگذارند.
مع ذلک از سائر ائمه علیهم السلام نیز علوم بسیار و احادیث باقیمانده است و مثل نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه از ممتازترین ثروت‌های علمی اسلامی به شمار می‌رود.

فایده‌ی بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام

و اما موضوع سوم یعنی فایده‌ی بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام و بعضی تذکرات و بزرگداشت این روزها، علاوه بر آنکه تعظیم شعائر و اظهار حیات و وجود و شخصیّت است و علاوه بر آنکه تجلیل و تقدیر و حق شناسی است، و فطرت بشر به آن مایل و علاقه‌مند است سبب معرفت و آشنایی به سوابق تاریخی و حقیقت دین و تعالیم اسلام می‌گردد و موجب می‌شود که مسلمانان در راه راست اسلام، ثابت بمانند و از زندگی رهبران دین، درس و سرمشق بگیرند؛ خدا را بشناسند و به خود ببالند و در برابر بیگانگان و آداب و رسوم آنها خود باخته نگردند، و با امیدواری به سوی جلو

صبح صادق، ص: ۵۶

گام بردارند. برای پیشرفت اسلام، فعالانه بکوشند. بفهمند که اسلام دین ابدیت و جاودانی و جهانی است و آینده‌ی دنیا را اسلام

اداره خواهد کرد و راهی بهتر از اسلام به بشریت عرضه نشده و نخواهد شد.
مسلمانان با بزرگداشت این روزها و تذکر تاریخ رجال اسلامی باید به مسئولیت‌های بزرگی که دارند متوجه شوند که چرا ما از آن مسلمان‌های با اخلاص صدر اسلام و آن پاک مردان و پاک زنانی که آن همه فداکاری کردند درس نگیریم و در راه دین مجاهدت نکنیم؟

توصیه‌هایی به مسلمانان خارج از کشور

شما مسلمانانی که در انگلیس هستید امکاناتی دارید که مسلمانان عصر پیغمبر و امام صادق صلوات الله علیه نداشتند. شما می‌توانید تبلیغ کنید. نشریه انتشار دهید. اسلام را به دیگران و در بین خودتان بشناسانید.[۴۳] با هم همکاری کنید، و دین را یاری نمایید دیگران را به این جلسات دینی دعوت کنید و فرائض اسلامی را متعهّدانه انجام دهید. از کمی جمعیت یا فراهم نبودن وسایل و امکاناتی که برای بیگانگان هست باک نداشته باشید؛ خداوند در قرآن می‌فرماید:

صبح صادق، ص: ۵۷
(کَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّهِ [۴۴]
مردها به علی علیه السلام و زن‌ها به خدیجه و فاطمه زهرا علیهماالسلام اقتدا کنند. تبلیغ اسلام و شرکت دادن دوستان خود را در جلسات دینی جزء برنامه‌ی کار خود قرار دهید. خداوند متعال شما را یاری می‌کند.
حقیر از اینکه در شما جنبش و جوشش و حرکت می‌بینم بسیار تقدیر می‌کنم و مثل این توفیقی را که در بعضی شما از زن و مرد می‌بینم آرزو می‌کنم؛ فقط لشکر خدا و گروه خدا باشید؛ مبادا به خاطر سلیقه‌های شخصی در همکاری با یکدیگر سست و دلسرد شوید و از هم جدا گردید! این نکته‌ی مهم را هم متوجه باشید که پشتیبانی شما از اسلام و التزام شما به احکام اسلام در این منطقه سبب دلگرمی و قوّت قلب مسلمانان کشورهای اسلامی می‌شود وقتی یک پسر یا دختر غرب زده ببیند آقا یا خانمی که سال‌ها در انگلستان بوده است مسلمان مانده است و رنگش عوض نشده و سنن اسلامی را حفظ کرده است او نیز از آنها سرمشق می‌گیرد.
اهل هر منطقه و هر کشور هستید برادرانه به هم دست اتحاد بدهید و نشان دهید که اسلام مرز ندارد و اسلام، مافوق زبان، نژاد، وطن و ملیّت است و غیر از اسلام و خارج از دایره‌ی احکام و برنامه‌های آن چیزی نیست. همه را به خداوند متعال می‌سپارم.

صبح صادق، ص: ۵۸
(رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُواْ بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الأبْرَارِ)[۴۵]

صبح صادق، ص: ۵۹

هدیه سوم: هدف‌های رسالت اسلام

اشاره

صبح صادق، ص: ۶۱

(هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا)[۴۶]

موضوع سخن در این مقاله، هدف‌های رسالت اسلام است.

هدف‌های رسالت اسلام که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حصول آن منتهای کوشش و مجاهده را فرمود و مسلمانان نیز باید در هر عصر و زمان برای حصول این هدف‌ها و تکمیل انقلاب مقدس اسلام همیشه قدم به پیش و ساعی و مصمم باشند هدف‌هایی است انسانی و بنیادی که نیاز بشریت به آنها روز به روز ظاهرتر و پیشرفت علم و صنعت و ارتباطات، امکان حصول آنها را بیشتر کرده است. به طور اختصار به چند نمونه از این هدف‌ها اشاره می‌نماییم.

۱. ایمان به خدای یگانه

ایمان به خدای یکتای یگانه و آمرزنده و خطا بخش و بخشنده و مهربان و کارساز و پوزش‌پذیر، خدایی که از هر چیز به انسان نزدیک‌تر است و ارتباط با او در هر حال و در هر زمان و در هر مکان مستقیماً و بدون واسطه‌ی احدی آرام‌بخش روح و محکم‌ترین نقطه‌ی اتکا و اعتماد و عامل نشاط، امیدواری به آینده و خوش‌بینی

صبح صادق، ص: ۶۲

و مانع از یأس و ناامیدی و اضطراب و افسردگی و انتحار و خودکشی، قوّت دهنده‌ی قلب و تنظیم دهنده‌ی کار غرائز و احساسات و عواطف است. نقش سازنده‌ی ایمان به خدا در ساختن شخصیت انسان و پرورش اراده و رهبری اندیشه، مؤثرتر از نقش هر عالم سازنده و تربیتی دیگر است. ایمان در باطن انسان هم یک قوّه‌ی بر انگیزنده و جهش‌بخش و تحرک آور و موجد شوق رغبت به کار و عمل و ترقی و تکامل است و هم قوّه‌ای بازدارنده و کنترل کننده است که او را از سوء استفاده از غرائز و افراط و تفریط باز می‌دارد. تیرگی‌هایی که در اثر عوامل مادّی و کار زیاد و ضعف و بیماری و غصه و اندوه، دل انسان را تاریک می‌سازد با ایمان و توجه به خدا برطرف می‌شود و با یاد خدا دل را روشن می‌کند.

ایمان به خدا به شخص، بینش و بصیرت می‌دهد و زندگی را با هدف و نتیجه معرفی می‌نماید و از سرگردانی و تحیری که یک نفر ملحد و خدانشناس دارد نجات می‌دهد.

در قرآن مجید آیات بسیاری راجع به ایمان و مؤمنین و اوصاف و نشانه‌های مردهای مؤمن و بانوان مؤمنه نازل شده است که بررسی و دقت در معانی و مقاصد آنها شخص را به حقایقی ارزنده و عالی در این موضوع آشنا می‌سازد و قدر مسلّم اینکه بدون ظهور آثار ایمان در اعمال و رفتار و سلوک انسان و بدون تعهد و التزام به عمل به شرایط و لوازم ایمان نباید انتظار داشت که ایمانِ اسمی، کاری را اصلاح نماید.[۴۷]

صبح صادق، ص: ۶۳

۲. ایمان به پیغمبران خدا و نبوت

ایمان به پیغمبران خدا و نبوت آنها است؛ اسلام، نبوت همه‌ی پیغمبران خدا را تأیید کرده و از خدمات و کوشش‌های هر یک از آنان در راه هدایت انسان‌ها تقدیر کرده است و به پیروانش دستور می‌دهد که بگویید:

(آمَنَّا بِاللّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَیْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَقَ وَیَعْقُوبَ وَالأسْبَاطِ وَمَا أُوتِیَ مُوسَی وَعِیسَی وَمَا أُوتِیَ النَّبِیُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ [۴۸]

که خلاصه، مفادش این است که ما به خدا و آنچه بر خودمان به وسیله‌ی حضرت محمد نازل شده و آنچه به تمام پیغمبران از

صبح صادق، ص: ۶۴

ابراهیم و موسی و عیسی و دیگران نازل شده ایمان داریم و میان پیغمبران جدایی نمی‌اندازیم چون همه، مردم را به خدا می‌خواندند و از جانب خدا برای راهنمایی بشر مأموریت داشتند؛ نهایت این است که مکتب انبیا مانند مدرسه‌ای است که کلاس‌های متعدد داشته باشد به ترتیب و به تدریج افتتاح و تکمیل شده است تا به رسالت حضرت خاتم الانبیاء به آخرین مرتبه‌ی کمال رسید و پیامبری به وجود آن حضرت ختم و پایان یافت.

۳. ابلاغ و اجرای حقوق انسان

ابلاغ و اجرای حقوق انسان به طوری که افراد در شرایط متساوی دارای حقوق متساوی باشند و ثروتمند و فقیر، زورمند و بی‌زور، رییس و مرئوس و تابع و متبوع، فرقی و امتیازی نداشته باشند و همه آزاد و بدون وحشت و نگرانی از کسی و مقامی زندگی کنند. در این جهت منشی و مجری حقیقی و واقعی حقوق بشر، اسلام و قرآن و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

این امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاگرد یگانه مکتب پیغمبر و وزیر و یار و یاور آن حضرت بود که در آن زمانی که به حسب ظاهر، زمامدار امور مسلمین بود می‌فرمود: «با من چنانکه با سرکشان سخن می گویند سخن مگویید، و آنچه را در برابر مردم خشمگین پنهان می کنند از من پنهان مدارید، و با مدارا و چاپلوسی با من معاشرت ننمایید، و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است، و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست

صبح صادق، ص: ۶۵

دارم، ... زیرا من و شما بندگانی در اختیار پروردگاری هستیم که جز او پروردگار نیست.»[۴۹]

و هم او بود که اجازه نمی‌داد در حالی که سوار بود کسی با او پیاده و در خدمت او باشد؛ می‌فرمود: «این برای زمامدار فتنه است؛ یعنی باد در بینی او می‌اندازد و او را از دیگران متوقع تواضع و احترام می‌نماید.»[۵۰]

و هم او بود که بر حسب منقول می‌فرمود: «هر کس می‌خواهد نگاه به مردی از اهل آتش کند نگاه کند به شخص نشسته‌ای که گروهی به احترام او ایستاده باشند.»

و هم علی بود که در عهدنامه‌ی مالک اشتر تمام حقوق انسان و روابط افراد را با حکومت به نحوی که دنیا هنوز هم به آن نرسیده است بیان فرمود.[۵۱]

جورج جرداق مسیحی نویسنده‌ی کتاب الامام علی صوت العداله الانسانیه در فصلی از این کتاب راجع به این عهدنامه بحث کرده است و مواد بیست و هشت گانه‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر را نوشته و در برابر هر مادّه‌ای از آن جمله‌ای از این عهدنامه را راجع به آن مادّه قرار داده است؛ سپس می گوید (قریب به این مضمون): این مواد اعلامیه‌ی حقوق بشر است و این تعلیمات و دستورات علی است که وقتی ملاحظه کنیم می‌بینیم جمله‌هایی که علی انشاء فرموده با توجه به این امتیازات کامل‌تر و تمام‌تر است:

صبح صادق، ص: ۶۶

۱. این اعلامیه را در عصر ما پس از اینکه دنیا چهارده قرن جلو آمده و حوادث مهم و پیشرفت علم و انقلاب بزرگ و تحولات عمیق در فکر بشر به وجود آورده است نوشته‌اند در حالی که علی علیه‌السلام در چهارده قرن پیش این مواد را با رساترین بیان در اختیار بشر گذارد و این حقوق را اعلام کرد.

۲. این اعلامیه را پس از اینکه پیرامون مواد و حتی الفاظ آن، علمای بزرگ حقوق و متخصصان بررسی‌ها و مطالعات کردند و مجالس شور و تبادل نظر تشکیل دادند نوشتند ولی علی علیه‌السلام خودش بدون شور و مشورت با کسی و بدون مطالعه‌ای وقتی مالک را به استانداری مصر تعیین فرود این عهدنامه را برای برنامه‌ی کار و تعیین حدود عمل اختیارات او مرقوم فرمود.
۳. کسانی که این اعلامیه را نوشتند و به دنیا اعلام کردند با تبلیغات رادیو و مطبوعات مِنّت‌ها بر سر بشر گذاردند که ما این حقوق را به شما اعطا کردیم ولی علی علیه‌السلام به هیچ کسی مِنّتی نگذارد و این حقوق را اعطایی خود نمی‌دانست؛ چه آنکه بشر به حکم خدا و هدایت اسلام این حقوق را دارا است.

۴. برقراری نظام اقتصادی سالم

از هدف‌های رسالت اسلام، برقراری معاش منظم برای همگان است. این کار در درجه‌ی اول با ایجاد و تهیه دیدن کار و شغل و در درجه‌ی بعد، با پرداخت حقوق و مخارج معاش از بیت‌المال عملی می‌گردد. شاید بعضی وقتی می‌شنوند یا می‌بینند که مثلًا در
صبح صادق، ص: ۶۷
انگلستان به بیکاران و کسانی که کار و شغلشان را از دست می‌دهند حقوق کافی می‌دهند تعجب کنند و بی‌اطلاع باشند که اسلام این قانون را از چهارده قرن پیش مقرر فرموده است و حکومت‌های اسلامی را موظف کرده است مخارج سالانه‌ی هر محتاجی را از بیت‌المال به طور مناسب و آبرومند بپردازد و این همان دستور اسلام است که جامعه‌ی مسلمانان معاصر به گونه‌ای باشد که همه‌ی بیکارها و محتاج‌ها در زیر پوشش آن زندگی کنند اما نوعاً به آن عمل نمی‌شود و بیگانگان به آن عمل می‌کنند و این همان چیزی است که علی علیه‌السلام از آن بر مسلمانان می‌ترسید و بیمناک بود و در وقتی که وصیت می‌فرمود مسلمانان را از آن بر حذر می‌داشت می‌فرمود:
«الله الله فی القرآن لا یسبقکم بالعمل به غیرکم»[۵۲]
بترسید از خدا! بترسید از خدا! در مورد قرآن مبادا که دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند.
ما امروز همان را که علی علیه‌السلام از آن می‌ترسید می‌بینیم؛ هر کار نیک و هر برنامه‌ی صحیح و منظمی که هر کجای دنیا باشد اسلام آن را کافی‌تر و جامع‌تر به بشریت عرضه کرده است؛ تمام عناصری که موجب زنده بودن و زنده ماندن قانون است به تصدیق دانشمندان در قوانین اسلام موجود است.

صبح صادق، ص: ۶۸

۵. همگانی کردن حق علم‌آموزی

همگانی کردن حق تحصیل علم و دانش و آن را از اختصاص طبقات به اصطلاح بالای اجتماع بیرون آوردن. اسلام به همه حق داد و همه را به علم و دانش و تفکر و تعقل و به کار انداختن نیروی فکر و اندیشه، تشویق فرمود و ارزش هر کس و هر جامعه را به مقدار بهره‌ی او از علم و دانش شناخت. پیش از اسلام، طبقات پایین اجتماع در کشورهای بزرگ از تحصیل، محروم بودند و اسلام همه را در کسب علم آزاد کرد؛ به طوری که بعد از اسلام یک نهضت بزرگ و وسیع علمی برپا شد و بیشتر علما و دانشمندان از طبقه‌ی پایین اجتماع برخاستند.
در اسلام، تحصیل علم و درس دادن شغل مقدسی است که تا این اواخر، معلمان و اساتید از گرفتن حقوق در برابر تعلیم علم، ابا داشتند و عمل خود را شریف‌تر از آن می‌دانستند که با منافع مادی مبادله کنند و هم اکنون در حوزه‌های علمیه‌ی اسلامی شیعه

همین برنـامه برقرار است و تعلیم و تحصیل علم را به عنوان یـک وظیفه‌ی مقـدس دینی انجـام می‌دهنـد و آن را به پول و مزد مادی نمی‌فروشند.

البته بیت المال در صورت احتیاج این افراد بایـد تأمین معاش آنها را بنمایـد و ماهانه‌ی لازم را به آنها بدهد و این مسئله‌ای است که در هر حال و نسبت به همه وظیفه‌ی بیت‌المال است و مسئله‌ی مزد گرفتن برای تعلیم و حق التدریس دریافت داشتن مسئله‌ی دیگر است.

صبح صادق، ص: ۶۹

۶. تهذیب عقل از خرافات

از هدف‌های اسلام پاک ساختن و تهذیب عقل و فکر بشر از خرافات و عقاید باطل و نامعقول و خرد ناپسند است که در این مورد، اسـلام یگانه دینی است که پاک و منزه از خرافات باقی مانـده است و دینی است که دین حق را در هر عصـر و زمان پاک و منزه از خرافات معرفی کرده است.

دین ابراهیم و موسـی و عیسی را هم به همان واقعیت معقول و خردپسندی که داشته‌اند معرفی کرده و از خرافات گوناگون یهودیت و مسـیحیت کنونی تنزیه کرده است؛ شـرح این مسـئله محتاج به مطالعه کتاب‌هایی است که برای راهنمایی یهود و نصارا نوشته شده است. غرض این است که عقاید خرافی در گذشـته و حال، افق فکر بشر را تاریک کرده است. در عصر ظهور اسلام، بت پرستی که مظهر بسـیار منکر و زشت و ناهنجاری است و عقاید خرافی دیگر علاوه بر شـبه جزیره‌ی عربستان، در کشورهای دیگر نیز رایج بود؛ به عنوان نمونه در مصـر معتقـد بودنـد که همه سـاله برای وفور آب نیـل بایـد دختری را که به نام عروس نیل نامیـده می‌شـد در نیل بیندازند و در وقت معیّنی دختر زیبایی را انتخاب می‌کردند و پس از سه شبانه روز مراسم عروسی و تشریفات بزم و سُرور، روز سوم دختر بیچاره را در آب می‌انداختند و غرق می‌کردند. توحید اسلام در ابعاد گسترده‌ای که دارد عقاید خرافی را از بین می‌برد و دین خالص و صحیح و موافق فطرت را به بشریت عرضه می‌کند.

صبح صادق، ص: ۷۰

۷. ایجاد جامعه‌ی جهانی

یکی دیگر از هـدف‌های اسـلام که دنیا به آن رو می‌رود به وجود آوردن یک جامعه‌ی جهانی و نظام واحد است که همه‌ی اقوام و ملل در آن بگنجد و برتری ملتی بر ملتی و استثمار قومی از قومی از بین برود. تمام ذخایر نعمت‌ها به طور عادلانه بین انسان‌ها توزیع شـود و امکانـات ترقی و پیشـرفت برای همه به طور متسـاوی فراهم شود و تمـام افراد بر اسـاس عضویت در یـک جـامعه بلکه یک خانواده با هم معامله و معاشرت و ارتباط مالی و اجتماعی و سیاسی پیدا کنند و چنانچه در قرآن می‌فرماید:

(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ [۵۳]

جهانیان، امت واحده شوند.

عقیـده به توحیـد و یگانگی خـدا، خود به خود، این فکر جامعه‌ی جهانی را ایجاد می‌کند و اعتقاد به یکی بودن خدای همه، اصالت وجـود جـامعه‌ی متعـدد و تفرقه‌هـای موجود را طرد و نفی می‌نمایـد، لـذا ملاحـظه می‌شود که در انتخـاب اسم اسـلام برای این دین جهانی چه عنایت و لطفی به کار رفته است تا عنوان و اسـمی باشد که به سوی تفرقه و اختلاف و انتساب به شخص یا طایفه یا ملتی ندهد و به همه قابل تعلق باشد و لفظی باشد که مفهومش دین حق و حقیقت دین باشد.

صبح صادق، ص: ۷۱

۸. اقامه‌ی قسط و عدل

هدف دیگر، اقامه‌ی قسط و عدل و برقراری نظم عادلانه در بین مردم به وسیله‌ی قرار دادن امر مردم در پاک‌ترین دست‌ها و امین‌ترین افراد و انتخاب افراد عادل و صالح برای امور اجتماعی و کارهای مربوط به عموم است. اهمیت این مسئله وقتی معلوم می‌شود که شخص، برنامه‌ی امت و رهبری امت و هم چنین برنامه‌ی قضاوت و دادگستری و سایر امور اجتماعی و مالی اسلامی را مطالعه کند و آیات و روایاتی را که در این امور، مسئولیت افراد را سخت شمرده‌اند به دقت بررسی نماید.

۹. تأمین سعادت دنیا و آخرت

تأمین سعادت دنیا و آخرت به وسیله‌ی تعالیم اعتقادی و اخلاقی و عملی به طوری که همه‌ی افراد حتی ناقص الاعضاء و ناتوان خود را سعادتمند بشناسند و بدانند که زندگی در صورت پیروی از برنامه‌های اسلامی، متضمن هیچ گونه خسارت و ضرر حقیقی نیست و اگر بعضی ضررها و زحمات دنیوی در این جا تدارک نشود در آخرت همه جبران و تدارک می‌شود و بلا عوض نمی‌ماند و بالاخره خداوند متعال با هیچ‌کس به خلاف عدل رفتار نمی‌نماید. این عقیده از جنبه‌ی علمی و ایمانی شخص را خوش‌بین و راضی و خشنود می‌سازد که در این دنیا هر چه متاعب ببیند چون چشمداشت به ثواب عقبی دارد با حُسن استقبال بپذیرد و از جنبه‌ی واقعی و خارجی آن هم معلوم است خوشبختی افراد صالح تأمین است.

صبح صادق، ص: ۷۲

۱۰. تأسیس مدینه‌ی فاضله‌ی انسانی

خلاصه و به طور کلی از مجموعه برنامه‌های اعتقادی و علمی و اخلاقی اسلام استفاده می‌شود که هدف اسلام، تأسیس یک مدینه فاضله‌ی انسانیت است که همه چیز در حد اعتدال و از افراط و تفریط بر کنار باشد و افرادش همه مانند عضو یک بدن، همکار و همدرد، و هر کدام به وظیفه‌ی خود عمل کنند و در اجرای حق و عدالت در بین خود نظارت نمایند. اسلام با هدف‌هایی که به برخی از آنها اشاره شد در صفحه‌ی تاریخ انسانیت جلوه کرد و به‌زودی پیشرفت نمود و دل‌ها را فتح کرد و جوامع بزرگی که به علم و فضیلت اشتهار یافتند برپا کرد و بزرگ‌ترین کتابخانه و مدرسه‌ها را به وجود آورد. نوابغ بزرگ علم و فلسفه را به دنیا تحویل داد و کشورهایی مانند ایران، پاکستان، هند، بنگلادش، اندونزی، تایلند، فیلیپین، مصر، اتیوپی، اریتره، سودان، الجزایر، مراکش، افغانستان، ترکیه، حجاز، یمن، سوریه، عراق، لیبی، فلسطین، لبنان، اردن، مسقط، عمان، سومالی، تانزانیا، ساحل عاج، نیجریه، نیجریا، کویت، قفقاز، ترکستان، یوگسلاوی، آلبانی، مالزی، چین، تایوان و نقاط دیگر را زیر چتر هدایت و ارشاد خود گرفت و اگر سیاست جاه طلبانی که زمام امور را به دست گرفتند خصوصاً بنی‌امیه و بنی‌عباس، رژیم حکومتی اسلام را به ارتجاع نکشانده بود و ملل دنیا را مأیوس نساخته بودند اسلام در سراسر جهان استقرار یافته بود.

مع ذلک و علی‌رغم ضدیت‌هایی که با اسلام می‌شود و تبلیغات

صبح صادق، ص: ۷۳

دروغ و بی‌اساسی که علیه آن می‌شود و با اینکه در داخل قلمرو اسلام، جوامع متعددی که با روح اسلامی مخالف است به وجود آمده اما این دین همچنان زنده و استوار و برجا و برقرار است و برای اداره‌ی امور انسانیت برتر و جامع‌تر از آن نیست و زمینه‌ی یک بیداری کامل و گردهمایی دینی در مسلمانان موجود است و امیدواری به جوانان مسلمان خصوصاً طبقه‌ی تحصیلکرده که آینده‌ی

اسلام به دست آنها سپرده می‌شود باقی است. روز به روز در دنیای معاصر قوّت تعالیم اسلام و زنده بودن آن آشکارتر می‌شود و ثابت می‌گردد که این دین هرگز نخواهد مرد و همیشه جاودان و زنده و برقرار است.

ما مسلمان‌ها هستیم که از زن و مرد باید احساس مسئولیت کنیم و این دین را به دنیا عرضه بداریم. خودمان متعهدانه و ملتزمانه به آن عمل کنیم و دیگران را به آن تبلیغ نماییم.[۵۴]

بدانید که از کارهای بسیار نیک و پسندیده که موجب رضای خداوند متعال می‌شود این است که انسان، شخص گمراهی را راهنمایی کند؛ از خدابیگانه‌ای را با خدا آشنا سازد و گنه‌کاری را به

صبح صادق، ص: ۷۴

توبه و بازگشت به خدا تشویق نماید که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه‌السلام فرمود:

«لَأن یهدی الله علی یدیک رجلا خیر لک مما طلعت علیه الشمس و غربت»[۵۵]

اگر خدا یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر است برای تو از تمام آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب کرده است.

خدا یار و مدد کار شما باد.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

لطف الله صافی

صبح صادق، ص: ۷۵

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه

نام کتاب------ زبان------ ترجمه

فقه:

۱- توضیح المسائل------ فارسی--------

۲- منتخب الاحکام------ فارسی--------

۳- احکام نوجوانان------ فارسی------ انگلیسی

۴- جامع الاحکام در ۲ جلد------ فارسی--------

۵- استفتائات قضایی------ فارسی--------

۶- استفتائات پزشکی------ فارسی--------

۷- مناسک حج------ فارسی------ عربی

۸- مناسک عمره مفرده------ فارسی------ عربی

۹- هزار سؤال پیرامون حج------ فارسی--------

۱۰- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد------ فارسی--------

۱۱- اعتبار قصد قربت در وقف------ فارسی--------

۱۲- رساله در احکام ثانویه------ فارسی--------

۱۳- فقه الحج در ۴ جلد------ عربی--------

۱۴- هدایة العباد در ۲ جلد------ عربی--------

۱۵- هدایة السائل------ عربی--------

۱۶- حواشی علی العروة الوثقی------ عربی--------

۱۷- رسائل الخمس فی فقه الإمامیة------ عربی--------

۱۸- صلاة المسافر------ عربی--------

صبح صادق، ص: ۷۶

۱۹- فقه الخمس------ عربی--------

۲۰- أوقات الصلوة------ عربی--------

۲۱- الاحکام الشرعیة ثابتة لاتتغیّر------ عربی------ فارسی

۲۲- التعزیر (احکامه و ملحقاته)------ عربی--------

۲۳- ضرورة وجود الحکومة او ولایة الفقهاء فی عصرالغیبة (الخمس و ولایة الفقیه)------ عربی------ فارسی

۲۴- رسالة فی معاملات المستحدثة------ عربی--------

۲۵- التداعی فی مال من دون بینة و لا ید------ عربی--------

۲۶- رسالة فی المال المعیّن المشتبه ملکیته------ عربی--------

۲۷- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین------ عربی--------

۲۸- ارث الزوجة------ عربی--------

۲۹- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه (مسألة التعصیب)------ عربی--------

۳۰- حول دیات ظریف ابن ناصح------ عربی--------

۳۱- بحث حول الاستقسام بالازلام (مشروعیة الاستخارة)------ عربی--------

۳۲- الشعائر الحسینیه------ عربی--------

۳۳- آنچه هر مسلمان باید بداند------------- ترکی

صبح صادق، ص: ۷۷

اصول فقه:

۳۴- بیان الاصول در ۳ جلد------ عربی--------

۳۵- رسالة فی الشهرة------ عربی--------

۳۶- رسالة فی حکم الاقل و الاکثرفی الشبهة الحکمیة------ عربی--------

۳۷- رسالة فی الشروط------ عربی--------

قرآن و تفسیر:

۳۸- تفسیر آیه فطرت------ فارسی--------

۳۹- القرآن مصون عن التحریف------ عربی--------

۴۰- تفسیر آیة التطهیر------ عربی--------

۴۱- تفسیر آیة الانذار------ عربی--------

عقاید و کلام

۴۲- عرض دین------ فارسی---------

۴۳- به سوی آفریدگار------ فارسی---------

۴۴- الهیات در نهج‌البلاغه------ فارسی---------

۴۵- معارف دین ۲ جلد------ فارسی---------

۴۶- پیرامون روز تاریخی غدیر------ فارسی---------

۴۷- ندای اسلام از اروپا------ فارسی---------

۴۸- نگرشی بر فلسفه و عرفان------ فارسی---------

۴۹- نیایش در عرفات------ فارسی---------

۵۰- سفرنامه حج------ فارسی---------

۵۱- شهید آگاه------ فارسی---------

۵۲- نوید امن و امان------ فارسی---------

صبح صادق، ص: ۷۸

۵۳- پاسخ ده پرسش------ فارسی---------

۵۴- اصالت مهدویت------ فارسی---------

۵۵- تجلی توحید در نظام امامت------ فارسی------ عربی

۵۶- نظام امامت و رهبری------ فارسی---------

۵۷- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی------ فارسی---------

۵۸- پیرامون معرفت امام------ فارسی---------

۵۹- عقیده نجات بخش------ فارسی---------

۶۰- به سوی دولت کریمه------ فارسی---------

۶۱- باورداشت مهدویت------ فارسی------ عربی

۶۲- انتظار، عامل مقاومت و حرکت------ فارسی---------

۶۳- فروغ ولایت در دعای ندبه------ فارسی------ عربی

۶۴- معرفت حجت خدا------ فارسی------

۶۵- وابستگی جهان به امام زمان------ فارسی---------

۶۶- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه------ فارسی------ انگلیسی

۶۷- امامت و مهدویت------ فارسی------

۶۸- پیام‌های مهدوی------ فارسی---------

۶۹- گفتمان مهدویت------ فارسی------ انگلیسی

۷۰- گفتمان عاشورایی------ فارسی---------

۷۱- مقالات کلامی------ فارسی---------

۷۲- الی هدی کتاب الله------ عربی---------

۷۳- ایران تسمع فتجیب------ عربی--------

صبح صادق، ص: ۷۹

۷۴- رسالهٔ حول عصمهٔ الانبیاء و الائمهٔ------ عربی--------

۷۵- تعلیقات علی رسالهٔ الجبر و القدر------ عربی--------

۷۶- لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب------ عربی--------

۷۷- صوت الحق و دعوهٔ الصدق------ عربی--------

۷۸- رد اکذوبهٔ خطبهٔ الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام------ عربی--------

۷۹- مع الخطیب فی خطوطه العریضهٔ------ عربی------ اردو/ فرانسه

۸۰- رسالهٔ فی البداء------ عربی--------

۸۱- جلاء البصر لمن یتولی الائمهٔ الاثنی عشر------ عربی--------

۸۲- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقهٔ------ عربی--------

۸۳- من لهذا العالم؟------ عربی--------

۸۴- بین العلمین، الشیخ الصدوق والشیخ المفید------ عربی------ فارسی

۸۵- مقدّمات مفصلّهٔ علی «مقتضب‌الاثر» و «مکیال‌المکارم» و «منتقی الجمان»------ عربی--------

۸۶- امان الامّهٔ من الضلال والاختلاف------ عربی--------

صبح صادق، ص: ۸۰

۸۷- البکاء علی الامام الحسین علیه‌السلام------ عربی--------

۸۸- النقود اللطیفهٔ علی الکتاب المسمی بالاخبار الدخیلهٔ------ عربی--------

حدیث:

۸۹- منتخب الاثر در ۳ جلد------ عربی------ اردو/ انگلیسی

۹۰- قبس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام (مئهٔ و عشر حدیث من کتب عامهٔ)------ عربی------ فارسی

۹۱- احادیث الائمهٔ الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها------ عربی--------

۹۲- احادیث الفضائل------ عربی------

۹۳- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام------ فارسی--------

تاریخ:

۹۴- سیرحوزه‌های علمی شیعه------ فارسی--------

۹۵- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)------ فارسی--------

سیره:

۹۶- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام------ فارسی--------

۹۷- با عاشوراییان------ فارسی--------

صبح صادق، ص: ۸۱

۹۸- آینه جمال------ فارسی--------

۹۹- از نگاه آفتاب------ فارسی--------

۱۰۰- اشک و عبرت------ فارسی--------

تربیتی:

۱۰۱- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق------ فارسی--------

۱۰۲- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر------ فارسی------

۱۰۳- با جوانان------ فارسی------

شعر:

۱۰۴- دیوان اشعار------ فارسی--------

۱۰۵- بزم حضور------ فارسی--------

۱۰۶- آفتاب مشرقین------ فارسی--------

۱۰۷- صحیفهٔ المؤمن------ فارسی--------

۱۰۸- سبط المصطفی------ فارسی--------

۱۰۹- در آرزوی وصال------ فارسی--------

مقاله‌ها و خطابه‌ها:

۱۱۰- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)------ فارسی--------

۱۱۱- شب‌پرگان و آفتاب------ فارسی--------

۱۱۲- شب عاشورا------ فارسی--------

۱۱۳- صبح عاشورا------ فارسی--------

تراجم:

۱۱۴- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جوادصافی گلپایگانی------ فارسی--------

۱۱۵- زندگانی جابر بن حیّان------ فارسی--------

۱۱۶- زندگانی بوداسف------ فارسی--------

---

[۱] (۱). عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴

[۲] (۱). احزاب، ۲۱؛ برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می‌دارید و خدا را فراوان یاد می‌کنید، شخص رسول اللَّه مقتدای پسندیده‌ای است.

[۳] (۱). آل عمران، ۶۴.

[۴] (۱). همان، ۱۰۳.

[۵] (۲). نحل، ۹۰.

[۶] (۱). مائده، ۸.

[۷] (۲). نساء، ۵۸.

[۸] (۳). حجرات، ۱۳؛ ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید(اینها ملاک

امتیاز نیست،) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

[۹] (۴). نجم، ۳۹؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

[۱۰] (۱). نحل، ۹۷.

[۱۱] (۲). احزاب، ۳۵؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

[۱۲] (۱). زمر، ۲۱؛ در این مثال تذکّری است برای خردمندان(از ناپایداری دنیا)!

[۱۳] (۲). همان، ۱۷ و ۱۸؛ پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.

[۱۴] (۱). در این جا مناسب است به منزلت بزرگ و مقام عالی و ارزنده و مسئولیت بزرگی که دانشجویان عزیز دارند توجه شود. دانشجویان، شما می‌دانید که جامعه‌ی مسلمان از جهت راهنمایی‌های انسانی و تعالیم اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و ارشاد به تمام اصول واقعی و سازنده یک جامعه‌ی به تمام معنی زنده و متحرک و مترقی است و ضعیف نیست و به تصدیق دانشمندان بزرگ در هر عصر و زمان تعالیم اسلام پیشرو و انسان‌سازترین تعالیم و برنامه‌ها است. ضعفی که مسلمانان پیدا کرده‌اند در ناحیه‌ی علوم مادی و تجربی است که جوامع اسلامی به دانشمندان و محققان و متخصصان در رشته‌ها و شُعب متعدد این علوم احتیاج دارند و این شما دانشجویانید که وظیفه دارید متعهدانه این ضعف را برطرف نمایید و این خلأ بزرگ را پر کنید.

درس بخوانید و کوشش کنید و تحقیق نمایید برای اینکه آینده‌ی جامعه‌ی اسلام به علم شما و به ابتکار شما و به تحقیق شما مباهات کند؛ برای اینکه شخصیت علمی شما باعث عزت مسلمین و احتیاج دیگران به مسلمانان باشد؛ هیچ حد و مرزی برای تحقیق و بررسی قائل نباشید و هر چه می‌توانید جلو بروید. چرا باید جوایز علمی نصیب دیگران شود و چرا باید همیشه نظرات و تئوری‌های دیگران در دانشگاه‌های دنیا تدریس شود؟

تا چند قرن پیش، مسلمانان با تقدم علمی در همه جا شهرت و معروفیت داشتند و دانشمندان ما در واقع بنیان گذاران علوم بودند؛ جابر بن حیان یکی از شاگردهای حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است که کتاب‌هایش به زبان‌های زنده ترجمه شده و اختراعاتی دارد و بیش از پانصد رساله در رشته‌های علمی نوشته و کسی است که به پدر شیمی ملقب شده است.

شما دانشجویان عزیز اگر درس می‌خوانید برای اینکه مدرکی بگیرید یا علم را وسیله رسیدن به پول و مقام قرار دهید ارزش شما از نظر اسلام همان پول و مقامی است که به آن می‌رسید و مزد شما هم همان است ولی اگر برای رفع کمبودی که در اجتماع مسلمانان است و برای تجدید عظمت‌های علمی مسلمانان و برای اینکه ذخائر و سرمایه‌های واقعی اسلام باشید و مسلمین را از فقر علمی نجات دهید و از بیگانه بی‌نیاز سازید درس می‌خوانید، بدانید منزلت و رتبه‌ی شما بسیار بسیار رفیع است و اجر و پاداش شما را فقط خدای بزرگ می‌تواند عطا کند و عطا می‌فرماید. به امید کوشش شما و تعهدات اسلامی شما.

[۱۵] (۱). روم، ۳۰.

[۱۶] (۲). آل عمران، ۱۰۴.

[۱۷] (۱). نهج البلاغه، حکمت ۳۸۰؛ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدادر جنب امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز به مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور

[۱۸] (۲). بقره، ۲۰۸.

[۱۹] (۳). فصلت، ۳۴.

[۲۰] (۱). مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۶؛ طارق محاربی نقل می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بازار ذو المجاز که در دوره جاهلی هشت روز، در یک فرسنگی عرفات بر پا می‌شده است، دیدم که روجامه‌ای بر تن داشت و می‌گفت: ای مردم! بگویید پروردگاری جز خداوند نیست تا رستگار شوید. ابولهب هم پشت سر ایشان حرکت می‌کرد و بر او سنگ می‌زد آن چنان که پاشنه‌ها و ساق‌های او خون آلود شده بود و می‌گفت: ای مردم از او فرمان مبرید چون او دروغگوست.

[۲۱] (۱). الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۴

[۲۲] (۲). تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۴۷؛ بار خدایا اگر این گروه از اهل اسلام را هلاک سازی، هیچ کس در روی زمین ترا نخواهد پرستید.

[۲۳] (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

[۲۴] (۱). پیرامون تلاش جدی و پیگیر اسلام در جهت ارزش دادن به بردگان و آزادی هر چه بیشتر آنان می‌توان به آیات ذیل مراجعه نمود: بقره، ۱۷۷ و ۲۲۱؛ نساء، ۲۵ و ۹۲؛ توبه، ۶۰؛ نحل، ۷۱؛ نور، ۳۲ و ۳۳؛ روم، ۲۸؛ بلد، ۱۲ و ۱۳.

[۲۵] (۱). دلائل‌النبوه، ج ۳، ص ۳۹.

[۲۶] (۲). مکارم الأخلاق، ص: ۲۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

[۲۷] (۱). شرح نهج البلاغهٔ لابن أبی الحدید، ج ۱، ص ۱۲۸؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاکست، گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و نیست برای عرب فضیلت و برتری بر عجم مگر به پرهیزگاری.

[۲۸] (۲). تثبیت دلائل النبوهٔ، ج ۲، ص ۵۵۳؛ مردمان مساویند مانند دندانه‌های شانه.

[۲۹] (۱). محمد، ۲؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد(ص) نازل شده- و همه حقّ است و از سوی پروردگارشان- نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند!

[۳۰] (۲). به عنوان تقدیم هدیه‌ای دیگر، حضور برادران و خواهران محترم مسلمان مقیم انگلیس.

[۳۱] (۱). پس از بازگشت قریش از جنگ« فجار» در ماه ذی القعده، جمعی در خانه عبد اللّه بن جدعان بعد از شستن دستان خود در آب زمزم هم پیمان شدند که برای یاری هر ستمدیده در مکه و گرفتن حق وی اقدام کنند. هم پیمانان عبارت بودند از« بنی هاشم»،« بنی مطّلب بن عبد مناف»،« بنی زهرهٔ بن کلاب»،« بنی تیم بن مرّه» و« بنو أسد بن عبد العزی». علت این پیمان این بود که مردی از زبید وارد« مکّه» شد و متاعی در دست داشت.« عاص بن وائل» آن را خرید، ولی مبلغی را که متعهد شده بود در عوض آن بپردازد، نپرداخت. مشاجره میان آنان درگرفت، مردم زبیدی از احلاف(هم پیمانان) کمک خواست. احلاف را لعقهٔ الدّم می‌خواندند، زیرا هنگامی که هم پیمان شدند، دستان خود را در خون فرو بردند. آنان عبارت بودند از: عبد الدار، مخزوم، جمح، سهم و عدی بن کعب. احلاف از کمک به مرد زبیدی خودداری کردند و او را از خود راندند. زبیدی بر فراز کوه ابو قبیس ایستاد و فریاد کمک خواهی سر داد.« زبیر بن عبد المطلب» و عده‌ای دیگر در خانه« عبد اللّه بن جدعان» انجمن نمودند و با هم پیمان بسته و هم قسم شدند تا آن‌جا که امکانات موجود اجازه می‌دهد، حقوق مظلوم را از ستمگر بگیرند. بعد از اتمام مراسم به سوی« عاص بن وائل» آمده و متاع را از وی گرفته و به صاحبش بازگرداند. نام این پیمان حلف الفضول یعنی پیمان فضل‌ها گذاشته شد زیرا در گذشته میان« جرهمی‌ها» پیمانی به نام« حلف الفضول» وجود داشت و اساس آن دفاع از حقوق افتادگان بود. بنیان گذاران آن پیمان، کسانی بودند که نام همه آنان، از ماده« فضل» مشتق بوده است. نام‌های آنان عبارت بود از:« فضل بن فضاله»،« فضل بن الحارث» و« فضل بن وداعهٔ» و چون پیمانی که« زبیر بن عبد المطلب» و عده‌ای دیگر در خانه« عبد اللّه بن جدعان» با هم بسته بودند از نظر هدف(دفاع از حقوق مظلوم) با« حلف الفضول» یکی بود، نام این اتحاد را نیز« پیمان فضول» نامیدند.

رسول گرامی صلی اللّه علیه و آله و سلّم در این پیمان که حیات مظلومان را بیمه می‌کرد، شرکت نمود و درباره عظمت این پیمان، فرموده است:« در خانه عبد اللّه جدعان، شاهد پیمانی شدم که اگر حالا- نیز(پس از بعثت) مرا به آن پیمان فرا خوانند، اجابت می‌کنم، یعنی حالا نیز به عهد و پیمان خود وفا دارم».

پیمان فضول به قدری محکم و پابرجا بود که نسل آینده نیز خود را موظف می‌دید که به مفاد آن عمل نماید. گواه مطلب، جریانی است که در دوران فرمان داری« ولید بن عتبهٔ بن ابی سفیان» برادرزاده معاویه که از طرف وی حکومت مدینه را بر عهده داشت، اتفاق افتاد. سالار شهیدان حضرت امام حسین بن علی علیه السّلام بر سر مالی با حاکم مدینه اختلاف پیدا نمود. ایشان برای درهم شکستن اساس ستم و آشنا ساختن دیگران با حقاق حق خود رو به فرماندار مدینه کرد و چنین گفت: به خدا سوگند، هرگاه بر من اجحاف کنی، دست به قبضه شمشیر می‌برم و در مسجد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم می‌ایستم و مردم را به آن پیمانی که پدران و نیاکان آن‌ها بنیان گذاران آن بودند، دعوت می‌نمایم. از آن میان، عبد اللّه بن زبیر برخاست و همین جمله را تکرار کرد و در ضمن افزود: همگی نهضت می‌کنیم و حق او را می‌گیریم و یا این‌که در این راه کشته می‌شویم. دعوت حسین بن علی علیه السّلام، کم کم به گوش همه افراد غیور مانند« المسور بن مخرمهٔ» و« عبد الرحمن بن عثمان» رسید، تمام لبیک گویان به سوی امام علیه السّلام شتافتند و در نتیجه فرماندار از جریان وحشت کرده و دست از اجحاف برداشت. الصحیح من سیرهٔ النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۴۰- ۱۴۲.

[۳۲] (۱) ۱. راجع به خدیجه و نقش او در اعلاء کلمه اسلام مراجعه شود به کتاب حوادث تاریخی رمضان در تاریخ تالیف اینجانب.

[۳۳] (۱). طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ أسد الغابه، ج ۳، ص ۵۴۵.

[۳۴] (۲). شعراء، ۲۱۴؛ و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن!.

[۳۵] (۱). مناقب علی(ع)، ص ۲۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۲۱؛ إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ البدایهٔ و النهایهٔ، ج ۳، ص ۳۹؛ السیرهٔ الحلبیهٔ،، ج ۱، ص ۴۰۶.

[۳۶] (۱) ۱. راجع به ایمان ابوطالب و خدمات بزرگ او به کتاب حوادث تاریخی رمضان در تاریخ تألیف حقیر مراجعه شود.

[۳۷] (۲). دلائل النبوهٔ، ج ۱، ص ۲۹۶؛ المنتظم، ج ۳، ص ۱۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۹۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۲۸۳؛ الإصابهٔ، ج ۴، ص ۳۸۵؛ إمتاع الأسماع، ج ۸، ص ۳۰۷؛ السیرهٔ الحلبیهٔ، ج ۱، ص ۵۰۰.

[۳۸] (۱). بقره، ۲۰۷؛ بعضی از مردم(با ایمان و فداکار، همچون علی(ع) در« لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند.

[۳۹] (۱) ۱. راجع به فلسفه جهاد و اسرار آن و غزوه بدر مراجع شود به کتاب حوادث تاریخی رمضان در تاریخ نگارش این حقیر.

[۴۰] (۲). مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۳۲؛ ضربه علی علیه السّلام در روز خندق برتر از اعمال امت من است تا روز قیامت!.

توضیح: این مضمون با عبارات دیگری در کتب بزرگان شیعه و سنی نقل شده است. مثلا آمده است:« لمبارزهٔ علی بن أبی طالب علیه السلام لعمرو بن عبدود یوم الخندق أفضل من عمل امتی الی یوم القیامهٔ»؛ تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۹، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴، مناقب خوارزمی ص ۱۰۷، مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۳۲۷.

[۴۱] (۱). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۸۳.

[۴۲] (۲). فاطر، ۳۲؛ سپس این کتاب(آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.

[۴۳] (۱). اکنون خدا خواسته است و نعمتی و فرصتی در اختیار شما گذارده است؛ درب این مجمع اسلامی به روی شما باز است و از شما و برای شما است؛ مرد فداکاری حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس مصباح زاده در این جا آمده و به عشق خدمت

به اسلام و خدمت به شما در این جا اقامت گزیده و احساس مسئولیت کرده است.

[۴۴] (۱). بقره، ۲۴۹؛ چه بسیار گروههای کوچکی که به فرمان خدا، بر گروههای عظیمی پیروز شدند!

[۴۵] (۱). آل عمران، ۱۹۳؛ پروردگارا! ما صدای منادی(تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که:« به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را بپوشان! و ما را با نیکان(و در مسیر آنها) بمیران!.

[۴۶] (۱). فتح، ۲۸؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!.

[۴۷] (۱). پیرامون نشانه‌های ایمان به آیات ذیل مراجعه نمائید: بقره، ۱۲۱؛ مائده، ۵۵ و ۵۷ و ۹۴؛ انعام، ۱۱۸؛ اعراف، ۱۵۷؛ انفال، ۴ و ۴۱؛ توبه، ۱۶ و ۱۸ و ۴۴؛ یونس، ۸۴؛ حج، ۳۴؛ مومنون، ۱۰۹؛ نور، ۵۱ و ۵۲؛ شعراء، ۲۲۷؛ نمل، ۸۱؛ سجده، ۱۵؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۳۶ و ۳۷؛ حجرات، ۱۵؛ حدید، ۲۸؛ مجادله، ۴؛ تغابن، ۱۳.

درباره لزوم و آثار همراهی ایمان و عمل، به آیات ذیل می‌توان مراجعه کرد: بقره، ۲۰۳ و ۲۲۸؛ مائده، ۶۹ و ۹۳؛ اعراف، ۴۲؛ توبه، ۹؛ رعد، ۲۹؛ ابراهیم، ۱۸؛ کهف، ۸۸ و ۱۰۷ و ۱۱۰؛ انبیاء، ۹۴؛ حج، ۲۳؛ نور، ۵۵؛ عنکبوت، ۷ و ۵۸؛ روم، ۱۵ و ۴۵؛ لقمان، ۸؛ سجده، ۱۹؛ سبأ، ۳۷؛ ص، ۲۴ و ۲۸؛ غافر، ۴۰؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۲۲ و ۲۶؛ جاثیه، ۲۱؛ محمد، ۲ و ۱۲؛ تغابن، ۹؛ طلاق، ۱۱؛ بروج، ۱۱؛ تین، ۶؛ بینه، ۷.

[۴۸] (۱). بقره، ۱۳۶؛ ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و(همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران(دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم(و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.).

[۴۹] (۱). نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

[۵۰] (۲). نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲.

[۵۱] (۳). نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[۵۲] (۱). نهج البلاغه، نامه ۴۷.

[۵۳] (۱). انبیاء، ۹۲؛ این(پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امّت واحدی بودند(و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید!.

[۵۴] (۱). آقایان و بانوان محترم! شرکت شما در این جشن که به عنوان بزرگداشت روز ولادت حضرت ختمی مرتبت محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت صادق علیه‌السلام تشکیل شده مورد تقدیر و تشکر است و به همه خیر مقدم عرض می‌شود. اما تذکراً عرض می‌کنم به شرکت خودتان در این جلسات اکتفا نفرمایید؛ برادران و خواهران مسلمان و شیعه در این شهر و نواحی بسیارند که هنوز توفیق شرکت در جلسات مذهبی مجمع اسلامی را حاصل نکرده‌اند؛ از آنها دعوت کنید در این جلسات حضور یابند تا این مجالس با شکوه‌تر برگزار شود و از نتایج معنوی و راهنمایی‌های اسلامی آن بهره‌مند شوند و در فضای دین و پایگاه ایمان و اخلاق و مرکز خداپرستی پرواز ملکوتی نموده و به معارج بلند روحانی و منازل قرب الهی نایل شوند.

[۵۵] (۱). الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹